

دولت تصادفی

قائم‌پناه: پویش «نه به تصادف» مصداق وفاق ملی «برای ایران» است

معاون اجرایی رئیس جمهور گفت: با پیوستن به پویش نه به تصادف و رعایت قوانین رانندگی، مانع داغدار شدن ایرانیان در سال جدید بشویم. محمدجعفر قائم‌پناه در شبکه اجتماعی اینکس نوشت: «۲ هزار کشته ۸۰۰ هزار مجروح و معلول در سال ۱۴۰۲ فاجعهای ملی است. با پیوستن به پویش نه به تصادف و رعایت قوانین رانندگی مانع داغدار شدن ایرانیان در سال جدید بشویم. کاهش تصادفات جاده‌ای نیازمند مشارکت همه ایرانیان و نه به تصادف مصداق وفاق ملی برای ایران است.»



عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی
 ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ • ۱۹ شعبان ۱۴۴۶ • 18 Février 2025
 ۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره پانصدوسی و یک
 www.asrghanoon.ir

شش سالگی گام دوم انقلاب



واقعیت آن است که بیانیه گام دوم سند اصلی پیشرفت ما در قرن پانزدهم است و جز بازگشت به این سند و تحقق آن مسیری برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی متصور نیست.

۲

آزادی سیاسی در اندیشه و عمل رهبری



در اندیشه رهبر انقلاب آزادی اصالت دارد. ایشان تأکید دارد که وقتی از آزادی بحث می‌کنیم، هدیه غرب نیست؛ بلکه در اندیشه اسلامی همواره در زیر ساخت تفکر اسلامی وجود داشته است.

۳

ترامپ همچنان می‌خواهد همه را بترساند!!



بریکس و شانگهای برای هندی که عضو شورای امنیت نیست جای بهتری است تا اینکه در میان همسایگانش در هیچ پیمانی قرار نداشته باشد. اینجاست که بازی برای طرف هندی سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود.

۴

فیلمی وجود نداشت که داورها بخوانند جسارت نشان دهند



متأسفانه یک مشکل بزرگ این است که قوانین را می‌نویسیم و بر اساس آن جلو می‌رویم ولی عدم ارتباط و تعامل مشکلاتی را به وجود می‌آورد.

۱

بازخوانی ایمان گرایی دانکیوپیت



دانکیوپیت دین را محصول ذهن انسان می‌داند و معتقد است که مفاهیمی نظیر خدا و آخرت ساخته‌های ذهنی برای معنا بخشیدن به زندگی هستند.

۷

رشد علوم انسانی اسلامی نشانه پویایی انقلاب



در دهه ۸۰ این مساله تبدیل به یک مُد شده و برخی از علوم انسانی اسلامی سخن گفتند و امروزه این مساله جا افتاده که نشان می‌دهد انقلاب اسلامی دارد آن جریان پویای خود را طی می‌کند و ما داریم پوست می‌اندازیم.

۷



در مقابل تهدید نرم افزاری دشمن تولید محتوا و اندیشه کنید



ایشان با اشاره به تلاش برخی افراد منحرف و وابسته به دستگاه‌های رژیم طاغوت برای تبدیل هویت آذربایجان به هویتی غیراسلامی، گفتند: آنها با تکیه بر خصوصیات قومی و نگاه ضددینی و اصطلاحاً سکولار، درصدد تغییر هویت حقیقی مردم آذربایجان بودند که ناکام ماندند و در همان دوران، تبریز با تقدیم گوهرهای درخشانی مانند علامه طباطبایی، علامه امینی و استاد شهریار، نام و اعتبار ایران را بالا برد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، «ایمان اسلامی» و «غیرت دینی» مردم تبریز را دو عامل اصلی قیام ۲۹ بهمن دانستند و گفتند: بزرگی آن قیام فقط به این نیست که رژیم طاغوت را مجبور کرد تا تک به خیابان‌ها بیاورد، بلکه عظمت آن حادثه به این است که برای همه ملت الگو شد و مردم شهرهای مختلف را به میدان مبارزه آورد.

ایشان «پیشتازی» در مسائل و حوادث مختلف را دیگر خصوصیت مردم تبریز خواندند و گفتند: میراث گراندردر ایستادگی، احساس توان و قدرت و دوری از انفعال که امروز در دیار آذربایجان می‌بینیم، یادگار آن دوران است و باید برای پیشرفت کشور به آن تکیه کرد.

«الگوسازی» از دیگر ویژگی‌های مردم تبریز بود که رهبر انقلاب در تبیین آن به تجلیل از شهدای گراندردی مانند ثقه‌الاسلام، شیخ محمد خیابانی، ستارخان، باقرخان و شهیدان سرافراز آذربایجان در دفاع مقدس از جمله شهیدان باکری پرداختند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیشتازی تبریز بعد از اصفهان را در تقدیم تعدادی زیادی از علمای بزرگ یادآور شدند و گفتند: این دو شهر در پرورش علمای برجسته، نمونه هستند.

ایشان سطح توان دفاعی ایران را در مقابل تهدیدات سخت، عالی خواندند و گفتند: دوستان و دشمنان ما هم این واقعیت را می‌دانند و ملت هم از این لحاظ احساس امنیت می‌کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: بنابراین، مسئله امروز ما تهدید سخت‌افزاری دشمن نیست بلکه تهدید نرم‌افزاری است.

رهبر انقلاب، معنای تهدید نرم‌افزاری را دستکاری افکار عمومی، ایجاد اختلاف و ایجاد تردید در «محکمتات انقلاب اسلامی» و ضرورت پایداری در مقابل دشمن» دانستند و گفتند: بدخواهان به این نتیجه رسیده‌اند که راه فائق آمدن بر ملت ایران و عقب راندن جمهوری اسلامی از مواضع قدرتمندانه خود، بکارگیری تهدیدهای نرم‌افزاری است که البته تا امروز موفق نبوده و نتوانسته‌اند با وسوسه‌های خود، ملت و جوانان ایران را از عزم و حرکت بازدارند.

ایشان راهپیمایی عظیم ۲۲ بهمن را نشانه‌ای آشکار از کارساز نبودن تهدیدهای نرم‌افزاری خواندند و افزودند: حضور با شکوه و با عظمت آحاد مردم آن هم پس از گذشت ۴۶ سال از پیروزی انقلاب، امری بی‌نظیر در دنیا است و مردم نشان دادند که مشکلات و توقعات بحقی که دارند، مانع حضور آنها برای دفاع از انقلاب نمی‌شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر استمرار مقابله با نیرنگ‌های دشمن، گفتند: مسئولان دستگاه‌های تبلیغاتی و آموزشی و رسانه‌ای، صاحبان بیان و قلم، اصحاب دانش و هنر و آحاد جوانان فعال در فضای مجازی، نقاط مورد توجه دشمن برای نفوذ در افکار عمومی را شناسایی و آنها را با تولید محتوا و فکر و اندیشه سدود کنند.

ایشان دفاع نرم‌افزاری در شرایط کنونی را مهمتر از دفاع سخت‌افزاری برشمردند و در تبیین علت این اهمیت گفتند: نقص در دفاع سخت‌افزاری با دفاع نرم‌افزاری قابل جبران است همچنانکه تاکنون بارها این کار انجام شده اما مشکلات نرم‌افزاری ما ابزارهای سخت‌افزاری قابل رفع نیست.

رهبر انقلاب، جوانان را برای تقویت دفاع نرم‌افزاری، به انس با مفاهیم و ویژگی‌های انقلاب و بیانات امام بزرگوار توصیه کردند و افزودند: انقلاب ما به معنی حقیقی، مبارزه «نور با ظلمت» و «حق با باطل» و در صدد اعتلاء ملت ایران و عظمت‌بخشی به آینده آن و نشان دادن هویت ملی بوده است.

ایشان با اشاره به پیشرفت در مسیر تحقق اهداف انقلاب، افزودند: البته ما هنوز به اهداف انقلاب به طور کامل دست نیافته‌ایم و در زمینه عدالت، رفع شکاف‌های اجتماعی و بعضی مسائل دیگر دشواری‌هایی داریم که باید با تلاش بیشتر عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنیم اما انقلاب توانسته هویت مستقل خود را به‌عنوان پایگاهی عظیم و امیدبخش برای ملت‌های منطقه و حتی فراتر از منطقه حفظ کند و علت عصبانیت مستکبران و استعمارگران جهان و عناصر پلید جنایتکار نیز، توانایی جمهوری اسلامی در ماندگاری و ایستادگی و نشان دادن مشت محکم خود به آنها است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برخی تحلیل‌ها مبنی بر دشمن‌تراشی ملت ایران برای خود را نادرست خواندند و گفتند: دشمنی دستگاه‌های سیاستگذار آمریکای جتار بخاطر «مرگ بر آمریکا» گفتن نیست بلکه ریشه در این واقعیت دارد که ایران با همت و فداکاری مردم توانسته از یوغ اسارت استعمارگران خارج شود و زیر بار تحمیل‌های آنها نرود.

ایشان سخنان زورگویانه آمریکایی‌ها و مطالبه تصرف یا به نام زدن بخشی از کشورها را جلوه‌ای از باطن زشت، خشن، غارتگر و سلطه‌گر مستکبرین و شبکه پیچیده صهیونیسم خواندند و افزودند: آنها نمی‌توانند این واقعیت را تحمل کنند که ملت ایران با ایستادن روی پای خود و اعتراض به ظلم و تجاوز آنها، حکومتی تشکیل داده که با گذشت ۴۶ سال، روز به روز قوی‌تر شده است.

رهبر انقلاب، مخاطب اصلی سخنان خود را جوانان ایران خواندند و خطاب به آنان تأکید کردند: امروز مسئولیت شما حفظ روحیه انقلابی، تقویت پیشرفت و حرکت در راه رسیدن به اهداف انقلاب است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین با گرامی‌داشت یاد امام جمعه شهید و فقیه تبریز مرحوم آل‌هاشم و استاندار جوان و انقلابی آذربایجان شرقی و همه شهیدان حادثه تلخ سقوط بالگرد شهید رئیسی و همراهان، حضور آقای پزشکیان در این دیدار را نشانه خوی مردمی رئیس‌جمهور دانستند.

علت جلوگیری از پرواز تهران - بیروت

واشنگتن از طریق کمیته نظارت بر آتش بس به دولت لبنان اطلاع می‌دهد که اسرائیلی‌ها اطلاعاتی دارند مبنی بر اینکه هواپیمای ایرانی برای حزب الله پول حمل می‌کند و اسرائیلی‌ها درخواست دارند از فرود آن جلوگیری شود، در غیر این صورت مجبور به رسیدگی به این موضوع خواهند شد. پس از آن نخست وزیر نواف سلام از وزیر فواید عامه می‌خواهد که به هواپیما اجازه فرود ندهد و همین امر باعث شده که این هواپیما از تهران خارج نشود.

سلام همچنین به فایز سامنی (وزیر) می‌گوید که به تهران اطلاع دهد که تا دوشنبه که این پرونده در جلسه هیئت دولت بررسی شود، هواپیماهای ایرانی اجازه فرود ندارند. به نظر می‌رسد هدف از تمام اتفاقات این است که یک بار برای همیشه تردد مستقیم هواپیماهای ایرانی بین لبنان و ایران متوقف شود و سفر به جمهوری اسلامی به شرکت‌های غیر ایرانی یا از طریق کشورهای دیگر محدود شود.

به نظر می‌رسد فرودگاه بیروت تبدیل به یکی از املاک بزرگترین مفر جاسوسی سیا در غرب آسیا یعنی مجتمعی که به آن سفارتخانه می‌گویند شده است. همچنین حضور وزیر خارجه جدید لبنان که از طیف قوای لبنانی سمیر ججع است کار تعامل را برای وزارت خارجه ما سخت کرده است. پروازهای تهران - بیروت، سوریه جدید محور مقاومت است و باید این موضوع را جدی گرفت زیرا بحث فراتر از ممانعت دشمن از تشییع تاریخی ۵ اسفند است.

بارها تأکید کردیم که دشمن صهیونی به دنبال یک چیز مشخص است و آن حفظ آزادی عمل و تبدیل لبنان و کل منطقه به مناطق B و C کرانه باختری است به طوری که هر گاه دلش خواست حمله کند، بمباران کند و به طور کلی از هوا و زمین و دریا بر ورودی‌ها، خروجی‌ها و درون لبنان اشراف و آزادی عمل و کنترل داشته باشد، امری که آنها با خروقات متعدد در طول آتش بس نشان دادند؛ امری که با اعلام حفظ ۵ نقطه استراتژیک (تله الحماص، تله العزیبه، تله العویضه، جبل بلاط و تله اللیونیه) نیز به دنبال تداوم آن هستند.

حقیقت این است که با سقوط سوریه و انسداد یکی از اصلی‌ترین مسیرهای تنفس حزب الله، تلاش شد تا با پروازها حمل و نقل میان دو کشور ادامه یابد اما صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها دقیقاً از طریق ساز و کار رسمی کمیته نظارت بر آتش بس که وظیفه بررسی اجرای آتش بس را برعهده دارد، به دنبال قطع خط پروازی ایران - لبنان هستند، امری که نشان می‌دهد ما شاهد یک زورآزمایی هستیم و دشمن قصد دارد خود را حاکم لبنان آن هم از طریق دولت جدید نشان دهد.

بازی هندی‌ها میان ایران و آمریکا

در مسقط، وزرای خارجه ایران و هند با هم دیدار کردند. «سوبرانیم جایشانکار» وزیر امور خارجه هند در پیامی در صفحه خود در شبکه اجتماعی ایکس از دیدار با «سید عباس عراقچی» در عصر روز یکشنبه خبر داد. او دیدار با عراقچی را «خوب» توصیف کرد و گفت که درباره روابط دوجانبه و تحولات منطقه گفت‌وگو کردند.

روابط میان ایران و هند به شدت تحت تأثیر روابط دهلی‌نو - واشنگتن قرار دارد. هندی‌ها می‌خواهند با چین رقابت کنند و آمریکایی‌ها می‌خواهند هندی‌ها را دشمنی با چین را در پیش بگیرد. این مساله در مورد ایران و روسیه هم صادق است و طرف آمریکایی تلاش می‌کند هند در حال توسعه که بازار خوبی برای مبادلات با این کشورها است به خود وابسته کند. در مورد ایران، هندی‌ها یک مساله مهم دیگر هم دارد و آن هم رابطه با رژیم یهودی است.

عراقچی که برای شرکت در کنفرانس «اقیانوس هند» به مسقط سفر کرده، امروز، در گفت‌وگویی با شبکه هندی ویون در پاسخ به سوالی درباره وضعیت روابط هند و ایران گفت: ایران و هند از روابط تاریخی بسیار خوبی برخوردارند. ما به عنوان ۲ تمدن آسیایی، همواره با یکدیگر در ارتباط بوده‌ایم و به آن ادامه می‌دهیم. ما به روابط خود با هند اهمیت زیادی می‌دهیم. در گذشته، تجارت زیادی بین ایران و هند وجود داشت. فرازونشیب‌هایی وجود داشته اما بین دو طرف، اراده قوی برای تقویت روابط وجود دارد و ما به این کار ادامه می‌دهیم.

عراقچی افزود: مشکلات نه به دلیل ایران و هند، بلکه به دلیل طرف‌های سوم به وجود آمده است؛ ما همواره تلاش کرده‌ایم خلاقانه، این مشکلات را برطرف کنیم و ببینیم که هند و ایران چگونه می‌توانند از روابط خوب بهره‌مند شوند. این بار، شرایط دشوارتر است اما با عزمی که بین دو طرف وجود دارد، بر این مشکلات، به‌ویژه در حوزه اقیانوس هند غلبه خواهیم کرد.

شش سالگی گام دوم انقلاب

محمد جواد اخوان

در هفته‌ای که گذشت، بیانیه «گام دوم انقلاب اسلامی» شش‌ساله شد. بیانیه گام دوم از ابتدا صرفاً بیانیه‌ای تشریفاتی به مناسبت چله انقلاب اسلامی نبود. آن‌گونه که شخص رهبر معظم انقلاب بعداً تصریح کردند، چهار نکته‌ای که در این بیانیه بر آن تأکید شده بود، عبارت‌اند از: «عظمت حادثه انقلاب»، «عظمت راه طی شده و کارکرد انقلاب تا امروز»، «عظمت چشم‌اندازی است که باید به آن برسیم» و «عظمت نقش نیروی جوان متعهد». در واقع این بیانیه تبیین همان حدیث امیرالمؤمنین (ع) «لَا رَحْمَ لَهِ اِمْرَةٌ عَرَفَ مِنْ اَیْنٍ وَ فِیْ اَیْنٍ وَ اِلَیْ اَیْنٍ» و بعدتر این شعر مولانا که «ز کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود، به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم» درباره انقلاب اسلامی است و قرار بود گذشته (چله اول)، حال و آینده (چله دوم) انقلاب اسلامی را ترسیم کند.

در یاد داریم که همان سال ۹۷، متنی به محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی تقدیم شد که با عنوان «الگوی پایه پیشرفت» قرار بود ریل‌گذاری حرکت کشور تا نیمه قرن پانزدهم را مشخص کند که معظم‌له این سند را به اقتراح عمومی و نخبگانی گذاردند. همان زمان که این متن منتشر شد گلایه بسیاری از صاحب‌نظران خالی بودن محتوای آن سند از مفاهیم و گزاره‌های مبتنی بر کلان‌گفتمان انقلاب اسلامی بود و به نظر می‌رسد یکی از اهداف انتشار بیانیه گام دوم، اصلاح همین نقیصه بود. کشور به سندی انقلابی و اسلامی نیاز داشته و دارد که مسیر آینده را مشخص کند و بیانیه گام دوم هم چنین شأن نزولی داشت.

اکنون و در آغاز هفتمین سال صدور این سند، با در نظر گرفتن این نکته باید از خود و همگان پرسشگر میزان نفوذ و تحقق این



مشخص رسانه‌ها و آموزش و پرورش دو نهاد اصلی گفتمان‌سازی گام دوم هستند و باید عملکرد این دو نهاد هم مورد پرسش قرار گیرد.

هرچند همایش‌هایی با نام بیانیه گام دوم برگزار شد، اما باید پرسید، رسانه‌ها و نظام آموزشی تا چه حد عموم مردم را با این سند و مفاهیم آن آشنا کردند؟ آیا رسانه‌های گوناگون به شرح و بسط این بیانیه و تبیین دقیق آن برای جامعه همت گماشتند؟ آیا اصلاً اثری از معارف گام دوم در کتاب‌های درسی دیده می‌شود؟ آیا معلمان و اصحاب رسانه خود با محتوای این سند آشنایی کافی دارند که بتوانند آن را به مخاطبان خود عرضه کنند؟ واقعیت آن است که بیانیه گام دوم سند اصلی پیشرفت ما در قرن پانزدهم است و جز بازگشت به این سند و تحقق آن مسیری برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی متصور نیست.

سند در حاکمیت و نظامات کشور باشیم، باید پرسید آیا اهداف عالی این بیانیه که خصوصاً در هفت‌بند پایانی آن ترسیم شده، تبدیل به راهبردها و راهکارهای عملیاتی شده و برای عملیاتی شدن این راهبردها و راهکارها چارنانه‌ای شده است؟ کدام قانون، مقررات، آیین‌نامه و دستورالعمل برای تحقق اینها تهیه و تصویب شده و کدام نهاد موظف به انجام این تکالیف و گزارش به مردم شده است؟ در طول عمر این بیانیه یک برنامه پنج‌ساله پیشرفت پایان‌یافته و اکنون در ابتدای برنامه هفتم هستیم. نظام برنامه‌ریزی کشور تا چه میزان با اهداف کلان این سند خود را تطبیق داده است؟

تا چه حد برای تحقق این اهداف اقدامات اجرایی ملموس تعریف و اجرا شده است. قوای سه‌گانه چه اقدامات عملیاتی برای حرکت در مسیر این بیانیه در پیش گرفته‌اند؟ اگر در سال‌های اول صدور بیانیه، صرفاً در گام فهم چیرستی آن بودیم، اکنون توجهی برای ماندن در این مرحله نداریم و باید چگونگی و اجرا را دنبال کنیم. البته می‌توان از سطحی بالاتر هم به ماجرا نگاه کرد. اگر بخواهیم بیانیه گام دوم روی کاغذ نماند و حقیقتاً نقشه راه ۴۰ سال آینده کشور باشد، باید از روی «کاغذ» به «ذهن» منتقل و گفتمان عمومی آن بر چارچوب نظری انسان ایرانی مسلط شود.

باید «گام دوم» رهنگاشت جامع پیشرفت جامعه ایرانی تلقی شود و این ممکن نیست مگر با باورمندی عمومی به آن. اینجاست که نقش نهادهای فرهنگ‌ساز و گفتمان‌ساز روشن می‌شود. به‌طور



تبیین بنیان‌های قرآنی تدبیر رهبر انقلاب در مورد تهدیدات آمریکا

محمد عابدی



■ **ضرورت راهبری تدابیر سیاسی در بستر آموزه‌های قرآن کریم**

این ضرورت را می‌توان با چند مقدمه تبیین کرد:

۱. «قرآن کریم کتاب زندگی است.» این گزاره کلیدی، تبلور دیدگاه مسلمانان نسبت به کارکرد اجتماعی قرآن کریم است. در تداوم این اندیشه قرآنی، نظام جمهوری اسلامی بر پایه اعتقاد به انحصار حکومت به الله «ان الحکم الا لله» شکل گرفت است، به این صورت که هرچند حکومت اصیل در زمین مخصوص خداست، ولی برای اینکه حکومت بتواند ساختار امارت و نظام حکومتی به خود بگیرد، باید صورت انسانی داشته باشد و افرادی حکومت و مدیریت حیات اجتماعی، سیاسی بشریت را از سوی خداوند به عهده بگیرند و به این ترتیب آموزه قرآنی «خلافت بشر از خداوند» در حیات سیاسی و اجتماعی معنا می‌یابد.

۲. مطابق مبانی قرآن کریم، هدف از حکومت و رهبری جریان دادن به خواست الهی به زندگی و هموار کردن مسیر بندگی و سعادت دنیایی و آخرتی است و تأمین این هدف نیازمند شرایطی است که صلاحیت و شایستگی جانشینان الهی برای حکومت و رهبری از مهم‌ترینشان است.

۳. طبق آموزه‌های قرآن کریم «باید» افرادی حاکمیت یابند که مطالبات الهی از انسان را دستور کار خود قرار دهند (تناسب خلیفه الهی با خداوند) و ائمه هدایت بشر به امر خدا باشند و او را در صراط مستقیم الهی راهبری نمایند. روایتی‌هایی همچون «انا صراط مستقیم» از سوی امیرمؤمنان (ع) و اهل بیت (ع) در همین راستا تبیین می‌پذیرد، در مقابل اگر افرادی بی صلاحیت همچون فرعون و نمرود و طاغوت‌ها، حکومت در زمین را به دست بگیرند، اهداف الهی تأمین نخواهد شد و سرنوشت بشر در دست «ائمه ضلال» قرار خواهد گرفت و آنان بشریت را از مسیر خواست الهی در حیات اجتماعی و سیاسی گمراه خواهند کرد.

۴. واقعیت موجود قرآن کریم نشان می‌دهد که بر اساس ساختار وجودی انسان‌ها مثل اختیار و عقل (نظام واقع و تکوین)، آنها خود این ظرفیت را دارند که فارغ از توجه به خواست خداوند، هر حکومتی را خواستند شکل بدهند، آنان به طور طبیعی چنین وضعیت و ظرفیتی دارند، ولی مطلوب الهی (نظام بایسته‌ها و تشریح) این است که آنان آزادی و اختیار خود را در دایره حق الهی معنا کنند و حقوق طبیعی خود را در داخل حقوق الهی معنا کنند و دولت را در اختیار صالحان و شایستگان که خد ا به حکومتشان راضی است، قرار بدهند، یعنی انبیای الهی همچون ابراهیم (انی جاعلک للناس اماما) سلیمان و داوود و خاتم الانبیا و اوصیای الهی آنان (انما ولیکم الله و رسوله و الذین یقیمون الصلاه و یوتون الصلاه و هم راکعون)، همچون امیرمؤمنان، امام حسن و حسین و فرزندان حضرت تا آخرین خلیفه الهی حضرت حجت (ع) باشد و نباید به دست ناشایستگان بسپارند (لا ینال عهدی الظالمین).

۵. اقتضا می‌کرد که این حکومت پای بند به نظام خلافت از خداوند باشد این یعنی ملاحظات و مطالبات الهی در این حاکمیت باید لحاظ بشود تا حکومتی از نظر خداوند مشروع در زمین شکل بگیرد.

■ قرآنی بودن تدبیر رهبری در مواجهه با آمریکا

با توجه به آنچه بیان شد قرآنی بودن رفتار و تدبیر سیاسی رهبری معظم انقلاب در مورد تهدیدهای نظام سلطه جایگاه می‌یابد، زیرا بر اساس قرآن کریم رهبر جامعه اسلامی برای تأمین مصالح جامعه اسلامی و تأمین مصالح اسلام در نگاه کلان‌تر، تکالیفی در چند سطح دارد:

اول: تکلیف شناختی: رهبری نظام اسلامی موظف است قدرت شناخت ماهیت کنش‌های دشمن را داشته باشد و گزینه کشور

و حکومت را رهبری ایدئولوژیک یا هر چیز دیگر می‌نامد، به خودش مربوط است و قضاوت درباره درستی و نادرستی این ادعا به این است که منظورشان از ایدئولوژیک بودن تدبیرها و تصمیمات سیاسی رهبری چه باشد؟

اگر منظور این باشد که اعتقادات نباید تعیین کننده نوع تدبیر و مدیریت و تصمیمات سیاسی باشد، باید پرسید: اصولا کارکرد و فلسفه اعتقادات و جهان بینی و نگرش انسان‌ها و دولت‌ها به هستی و جهان چیست؟

اولا اعتقادات و باورها، هدف حیات اجتماعی و سیاسی را تعیین می‌کند و زندگی سیاسی را معنادار می‌سازد؛

ثانیا مشروع و نامشروع بودن ابزارهای رسیدن به اهداف حکومت‌ها و تدابیر سیاسی را تعیین می‌کند.

این ذهنیت از دوران پیش از انقلاب همواره ایجاد می‌شد و در فلسفه سیاسی هم از آن پرهیز داده می‌شود این است که دخالت دادن اعتقادات شخصی و مکتبی در حکومت داری است، ولی باید در پاره این گزاره‌ها تأمل داشت:

اولا: این قضاوت به آن دسته از فلسفه‌های سیاسی مربوط است که اصولا با دخالت دین در حکومت مخالف هستند و کارکرد دنیایی برای دین در نظر نمی‌گیرند، در حالی که در گفتمان قرآنی و اسلامی بر این مبنا که «حکومت مقوله‌ای قرآنی و شأنی الهی است»، تمرکز می‌شود و این بر خلاف فلسفه‌های سکولار یا ضد دین است؛ مخصوصا آنان که متأثر از آسیب‌های دوران حکومت کلسیا هستند. بنا بر این اینجا مغالطه و غلط اندازی مبتدلی وجود دارد؛ گفتمانشان غیر قرآنی است، ولی اشکالشان به حکومت قرآن بنیان است.

ثانیا، در همان حکومت‌های سکولار هم آیا می‌توان موارد عمده و کلانی را یافت که تدابیر سیاسی شأن مبتنی بر اعتقاد و ایدئولوژی نباشد؟ آیا سرتاسر حاکمیت رژیم صهیونیستی بر مبانی اعتقادی نژادپرستانه استوار نیست؟ آیا تدابیر حکومت آمریکا در جهان حتی در مواردی مثل اعطای جایزه صلح نوبل بر مبنای اعتقاد به سروری و اولویت آمریکا (اول آمریکا) و فرهنگ آمریکایی بر جهان نیست؟ آیا اولویت حکومت‌های غربی بر اعتقاد به نژادی اروپایی نیست، آیا اینها اعتقاد و ایدئولوژی نیست و فقط اعتقاد به خداوند و نقش خدا در حکومت و لزوم حرکت سیاست در مسیر خداوند رفتار ایدئولوژیک است. این غیر از مغالطه یک بام و دو هوا چیز دیگری است؟

ثالثا، ما هم قبول داریم که ایدئولوژی (به معنای نقشه راه برآمده از یک مکتب برای حیات اجتماعی سیاسی) اگر غلط و بدون مبنای الهی و قویم باشد و برخاسته از مکاتب غیر موجه و نامعتبر باشد (مانند ایدئولوژی‌های نژاد پرستانه؛ ضدبشری؛ فاشیستی؛ ناسیونالیسم افراطی، فمینیسم) نباید مبنای تصمیم گیری و مدیریت سیاسی باشد، و فلسفه سیاسی اسلامی به شدت با آنها مخالف است، اما اگر مکتب قرآن به عنوان مکتب معتبر پذیرفته شد، و فلسفه سیاسی بر مدار آنان پاسخگوی مسائل سیاسی شد، چرا ایدئولوژی قرآن بنیان و قویم و محکم نتواند مبنای تصمیم گیری سیاسی باشد؟ باید به این آسیب شناسی تاریخی هم البته توجه داشت که اصولا هراس فلاسفه سیاسی موجود غربی از حاکمیت ایدئولوژیک به خاطر تأثیرات هولناک مکاتب انحرافی و منسوخ بر ایدئولوژیها و شکل گیری حکومت‌ها بر پایه آنهاست، اما اگر ما مؤمن و معتقد به عدم تحریف قرآن کریم و معتبر بودن آموزه‌های آن هستیم، چرا باید در زمین دیگران سوال مطرح کنیم و چرا نباید بتوانیم برنامه عمل و نقشه راه متناسب با آن در اختیار بگیریم؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا در سالروز بیعت تاریخی همافران و کارکنان نیروی هوایی، با جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند ارتش جمهوری اسلامی ایران دیدار کردند و در این دیدار ضمن ترسیم شرایط امروز، به تجربه بی‌حاصل حدود ۲ سال مذاکره با آمریکا در دهه نود و اقدام آمریکا در زیر پا گذاشتن همه تعهدات خود، اشاره کردند. رهبر انقلاب، در این سخنان، تجربه منفی دهه ۹۰ و حدود ۲ سال مذاکره با آمریکا و چند کشور دیگر را که منجر به انعقاد معاهده هسته‌ای شد، دلیلی بر بی‌فایده بودن مذاکره با آمریکا خواندند.

حجت‌الاسلام محمد عابدی عضو هیئت علمی گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در یادداشتی به تبیین دیدگاه رهبر معظم انقلاب در مواجهه با وضعیت جدید مناسبات ایران و آمریکا پرداخت و ایدئولوژیک بودن یا نبودن رویکرد ایشان در سیاست خارجی را بررسی کرد که در ادامه آن را می‌خوانید.

■ جایگاه اعتقادات توحیدی در سیاست ورزی و تدابیر سیاسی رهبران جمهوری اسلامی ایران

حاکمیت و رهبری در مکتب قرآن، اصالتا مخصوص خداوند، و از حقوق و شئون الهی است، خداوند این منصب و مقام را در مرحله تنفیذی و اجرایی، برای افرادی دارای شایستگی‌ها اعتبار و جعل می‌کند و آنان چون از طرف خداوند برای حکومت مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، در صورت مقبولیت و رضایت مردم، باید حکومت تشکیل بدهند (تکلیف سیاسی). بعد از آن باید سیاست گذاری‌ها و تدبیرهای رهبران در راستای خواست الهی باشد که اصول و بنیان‌هایش در قالب قرآن کریم معرفی شده و در اختیارشان قرار گرفته است و آنان نمی‌توانند سیاستی طراحی کنند یا تدبیری را عملی کنند که مخالف خواست و رضایت الهی باشد.

در نظام توحیدی که قرآن توصیه می‌کند، هم رهبر و هم مردم نباید از دایره قوانین الهی خارج شوند؛ نه رهبر چنین حقی دارد و نه مردم چنین حقی دارند و همین جاست که امر به معروف و نهی از منکر حاکمان توسط مردم جایگاه می‌یابد که البته درباره معصومان به جهت عدم انحراف آنان موضوع برای اعمال حق ندارد ولی در حکومت دیگران چنین حقی موضوعیت دارد.

این گفتمان، قرآنی و اعتقاد قرآنی است و اصل و تدبیر اموری چون حمایت از مظلومان عالم یا مسلمانان جهان (من اصبح و لم یهتّم بامور المسلمین ...) نهضت‌های آزادی بخش، یا نوع رفتار سیاسی در برابر استکبار جهانی و منطقه‌ای یا نظام‌های طاغوتی منطقه‌ای همگی بر مدار این گفتمان استوار است.

■ پاسخ به یک شبهه

اقتضای خاستگاه و نسبت الهی داشتن حکومت این است که مطالبات الهی برای تدبیر حیات سیاسی، مجموعه‌ای از تکالیف و وظایف سیاسی را برای حاکمیت به وجود می‌آورد که رهبران نمی‌توانند از آن تخلف کنند، همانطور که پذیرندگان چنین حاکمیتی نیز «نباید» خلاف آن را از رهبران خود بخواهند. این سخن بدان معنا نیست که مردم نمی‌توانند، چرا می‌توانند و این قدرت در نهاد بشریت به صورت وجودی و تکوینی هست که حکومت‌هایی را که دیروز به آن رضایت داده بود، امروز به زیر بکشد، ولی این «واقعیت وجودی» به معنای «برحق بودن»، مطلوب بودن و مرضی خدا بودن آن نیست. اینجا از نقاط مهمی است که مورد مغالطه قرار می‌گیرد و مردم متأسفانه پاسخ درستی هم نمی‌گیرند. حال اگر کسی عمل به اقتضای الهی، قرآنی و اسلامی بودن رهبری

آزادی سیاسی در اندیشه و عمل رهبری

سید کاظم سیدباقری

در نشست علمی «آزادی و مشارکت سیاسی در تجربه حکمرانی مقام معظم رهبری» که توسط گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با همکاری انجمن مطالعات سیاسی حوزه به صورت حضوری و مجازی برگزار شد حجت الاسلام و المسلمین سید کاظم سیدباقری به ارائه مطالب خود پرداخت.

■ آزادی سیاسی در اندیشه و عمل رهبری

حجت‌الاسلام و المسلمین سید کاظم سیدباقری نیز در این نشست با اشاره به جایگاه مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی اسلام گفت: «به تعبیر مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی استبداد را تبدیل به آزادی کرد و طبیعی است که آزادی به عنوان یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی مطرح است و حضور آن در عرصه‌های مختلف جامعه هم مورد تأکید است.»

وی آزادی سیاسی در تجربه حکمرانی آیت‌الله خامنه‌ای را از دو منظر نظری و عملی مورد توجه قرار داد و گفت: «رهبر انقلاب همواره بر تأمین آزادی‌های مشروع، آزادی بیان، آزادی احزاب و آزادی نقد تأکید داشته است و اتفاقا در کنار این مباحث، همواره یکی از تأکیدهای همیشگی ایشان، اصرار و پافشاری بر آزاداندیشی، چه در حوزه و چه در دانشگاه، بوده است. اصولا آزاداندیشی و نقد دیدگاه دیگران بدون آزادی امکان‌پذیر نیست، البته طبیعی است که آزادی در چهارچوب ارزش‌های اسلامی و امنیت ملی ممکن می‌شود و بنا نیست که امنیت و قانون اساسی نادیده انگاشته شود.»

دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با اشاره به نشست راهبردی که در حضور رهبر انقلاب درباره آزادی بوده، خاطرنشان کرد: «رهبر انقلاب تأکید کرد منظور ما از آزادی، همان آزادی



وی افزود: «به هر حال یکی از مسائلی که در جامعه بعد از انقلاب همواره مطرح بوده بحث از ولایت فقیه است. رهبر انقلاب بیان می‌کند که نمی‌توان جلوی اظهار نظر دیگران را در نظام اسلامی گرفت و آنها را به بهانه‌هایی سست متهم به ضدیت با ولایت فقیه کرد.»

حجت‌الاسلام سیدباقری درباره مبارزه با انحصارطلبی رهبر انقلاب گفت: «شاید بعضی‌ها در ذهنشان چنین بود که نظام باید با یک تفکر و قلمرو خاص اداره شود؛ اما تجربه‌ای که از رهبر انقلاب سراغ داریم این است که همواره تأکید داشتند دیدگاه‌های مختلف و احزاب سیاسی گوناگون در جامعه حضور داشته باشند و به آن‌ها فرصت داده شود که انتخاب‌گری داشته باشند. در واقع حضور احزاب گوناگون نشان می‌دهد که ایشان مخالف انحصار در عرصه سیاسی و اجتماعی و یا تدبیر امور جامعه است.»

مدیر گروه سیاست پژوهشگاه افزود: «قسمت دیگری از این بحث آزادی، انتخاب و مشارکت سیاسی است که در واقع تأکید بر این دارند که مردم باید آزادانه بتوانند در سرنوشت خود، حق انتخاب و انتخاب‌گری داشته باشند که یکی از جلوه‌های آزادی سیاسی است. بنابراین مردم باید بتوانند بدون فشار، افراد شایسته و مورد نظر خودشان را انتخاب کنند.»

استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: «رهبر انقلاب تأکید دارند که نباید انتخابات فرمایشی باشد؛ چون در این صورت آزادی هم معنای اصیلش را از دست می‌دهد. این را تأکید می‌کنند که در نظام پهلوی وجود داشت و انتخابات در دوران گذشته نمایش محض بود و همه می‌دانستند که به معنای انتخاب مردم نیست.» وی با اشاره به نقش تعیین‌کننده مردم در انتخابات گفت: «یکی از جلوه‌های عملی در عرصه حکمرانی رهبر انقلاب بسترسازی برای حضور و مشارکت حداکثری مردم بود. تجربه چند دوره گذشته در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری نشان می‌دهد از دغدغه‌های ایشان، حضور حداکثری مردم است. از طرفی رهبر انقلاب مخالف تأخیر در انتخابات بودند و تأکید داشتند که در زمان مقرر خودش باید برگزار شود.»

■ **مبارزه با انحصارطلبی و تأکید بر آزادی بیان**

دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با اشاره به آزادی بیان و نقد گفتمان حاکم بر رفتار برخی از افراد گفت: «بنا نیست که همه یک‌طور فکر کنند و به یک روش رفتار کنند و یا یک سیاست را قبول کنند. بنابراین رهبر انقلاب اظهار نظر آزادانه را به رسمیت شناخت.»



پیشروی های ارتش سودان و سفر وزیر خارجه این کشور به ایران

بیش از یک سال پیش، روابط ایران و سودان وارد مرحله تازه‌ای شده است. ایران با حمایت جدی از ارتش سودان تحت فرماندهی برهان، باعث تثبیت موقعیت دولت سودان در برابر نیروهای موسوم به واکنش سریع سودان تحت فرماندهی حمیدتی شده است. این حمایت‌ها در طول دو ماه گذشته باعث پیروزی‌های مهم برای ارتش سودان و شکست‌های دردآور برای شبه‌نظامیان طرف مقابل شده که مورد حمایت اماراتی‌ها و صهیونیست‌ها هستند. در پی این موفقیت‌ها، قرار است روز دوشنبه وزیر امور خارجه سودان در سفری رسمی به ایران بیاید تا روابط دوجانبه پیگیری شوند.

با کمک‌ها و حمایت‌های مستقیم ایران، ارتش سودان در اوایل ژانویه ۲۰۲۵، شهر مهم و راهبردی «واد مدنی»، مرکز ایالت جزیره را پس گرفت، سپس محاصره ستاد مشترک ارتش سودان و مرکز فرماندهی ارتباطات ارتش را شکست و در پایان همان ماه، یک پایلایگاه را بازپس گرفت. بازپس گیری شهر واد مدنی یک نقطه عطف اساسی به شمار می‌رود که می‌تواند به ارتش سودان شتاب عملیاتی بدهد و ارتش سودان را به هر مکانی که برای بازپس‌گیری آن اراده کند، سوق دهد. این پیروزی‌ها که با حضور موثر پهپادهای ایرانی به دست آمد، باعث شده تا دولت برهان بیش از پیش بر گسترش روابط با ایران تاکید کند.

ارتش سودان با تمهیداتی برای خود نبرد و ترتیباتی که پیش از آن در خصوص میدان عمومی جنگ در مناطق مختلف سودان انجام شده، راه را برای بازپس‌گیری واد مدنی هموار کرد. از نظر تمهیدات عملیاتی برای نبرد واد مدنی، ارتش از سه طرف جنوب، غرب و شرق آن را محاصره کرد تا به نیروهای پشتیبانی سریع نزدیک شود و از ترکیبی از تسلیحات، به ویژه حملات هوایی، برای هدف قرار دادن مواضع، زیرساخت‌ها و انبارهای تدارکاتی نیروهای پشتیبانی سریع استفاده کرد که باعث تضعیف روحیه عناصر حمیدتی، جلوگیری از تجمع نیروهای او و در نهایت هموار کردن مسیر برای ادامه عملیات‌های ارتش سودان گردید.

اما ارتش سودان پیش از شروع این سلسله نبردها، دست به اقدامات مهمی زد؛ یکی از این اقدامات مذاکره با یکی از اصلی‌ترین فرماندهان نیروهای حمیدتی بنام ژنرال ابوعقله کیکیل در اکتبر سال ۲۰۲۴ بود که باعث شد تا خود و همه نیروهایش حمیدتی را رها کرده و به ارتش سودان بپیوندند. با آمدن ابوعقله به سمت ارتش اتفاقات مهمی روی داد چرا که او اطلاعات مهم و گسترده‌ای از عناصر و موقعیت نیروهای حمیدتی داشت و این اطلاعات در نبردهای هفته‌های بعد مانند جواهری میدان را به نفع ارتش سودان تغییر داد.

بازپس‌گیری واد مدنی فشار بر ارتش سودان در پایتخت، خارطوم را کاهش می‌دهد. نیروهای پشتیبانی سریع از نزدیکی خود به پایتخت، حدود ۲۰۰ کیلومتر، برای ارسال تدارکات به نیروهای خود که هنوز در چندین نقطه در خارطوم مستقر هستند، استفاده می‌کردند، بازپس‌گیری شهر توسط ارتش سودان باعث افزایش فشار بر نیروهای پشتیبانی سریع در پایتخت خواهد شد. علاوه بر این، نیروهای پشتیبانی سریع از واد مدنی به عنوان رابط بین مسیرهای مناطق جنوبی و شرقی، به ویژه ایالت‌های سنار، غضارف و نیل سفید استفاده می‌کردند. واد مدنی از نظر محصولات کشاورزی نیز غنی است و به همین دلیل در دوره کنترل نیروهای پشتیبانی سریع مرکز جمع‌آوری انرژی، سلاح، پرسنل و آذوقه و هدایت آنها به جبهه‌های مختلف جنگ بوده است.

همه اینها در آینده به نیروهای پشتیبانی سریع ضربات شدیدی وارد خواهد کرد، زیرا آنها نمی‌توانند این موقعیت را جایگزین کنند و ارتباطات خود بین شرق، جنوب و مرکز سودان جبران کنند، بلکه از فشارهایی که ارتش سودان با تکیه بر قابلیت‌های خوبی که موقعیت واد مدنی به آن‌ها داده بیش از پیش رنج خواهند برد. این شهر البته به سادگی هم به دست ارتش سودان نیفتاد، بلکه ارتش سودان عملیات متعددی را انجام داد که در نهایت نیروهای حمیدتی را که در این محور در طول دو سال گذشته خطوط دفاعی مستحکمی تشکیل داده بودند را خسته کرده و در نهایت با عقب‌نشینی از این شهر، دست برتر را به ارتش سودان دادند.

حالا در گزارش‌های بعد تلاش خواهیم کرد تا در مورد خط سیر نبردها در سودان مطالب و مواردی را بنویسیم؛ اما به نظر می‌رسد سفر علی یوسف احمد الشریف به تهران برای دسترسی به حمایت‌های بیشتر جهت یکسره کردن کار در سودان، گفتنی است با تلاش‌های ایران، موضع روس‌ها هم در سودان به صورت کامل تغییر کرده است. روس‌ها که ابتدا با تحریکات اماراتی‌ها به سمت حمایت از حمیدتی کشیده شده بودند، حالا همکاری نزدیکی با دولت برهان دارند. ایران و روسیه این روزها در حال ساخت بندری در ساحل دریای سرخ هستند که می‌تواند موقعیت دو کشور در این منطقه را تقویت کند.

ترامپ همچنان می‌خواهد همه را بترساند!!

کریم جعفری

بیشتر کشورهای دنیا متوجه شده‌اند که از امریکا جز یک تسلط بر دلار، چیزی نمانده و همین مساله باعث شده تا ترامپ تلاش کند تا با هیاهو، ترساندن، تهدید کردن و باد در غیغب انداختن «همه را بترساند» و این آخرین و تنها ابزار در اختیار رئیس جمهور امریکا است. آنچه او در این چند هفته انجام داده نشان داد که او برخلاف برخی تحلیل‌ها هیچ درسی از چهار سال اول ریاست جمهوری خود نگرفته است.

بسیاری ترامپ را فقط در سیاست خارجی و در قبال دیگر کشورها مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهند، در حالی که او به شدت «کینه‌توز» است و این را می‌توان در رفتارهای او در برابر مقامات داخلی امریکا و حتی خبرنگاران دید. ترامپ برای سومین روز اجازه حضور خبرنگار خبرگزاری امریکایی آسوشیتدپرس را نداد، بزرگ‌ترین آژانس خبری امریکا که در برابر دیگر خبرگزاری‌های جهانی به نوعی شناسنامه امریکا به شمار می‌رود اما این موضوع نشان داد که ترامپ هم مانند نتانیاهو برخلاف ادعاهایی که می‌کند، «خودش مهم‌تر از امریکا» است.

این در تاریخ کاخ سفید بی‌سابقه است! «جولی پیس» سردبیر اجرایی آسوشیتدپرس در بیانیه‌ای اعلام کرد که خبرنگار این خبرگزاری از حضور در یک نشست خبری عمومی با حضور «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور امریکا و «تارندرا مودی» نخست‌وزیر هند، منع شده است. او این اقدام را «تشدید عمیقا نگران‌کننده تلاش‌های ادامه‌دار دولت برای تنبیه آسوشیتدپرس به دلیل تصمیمات تحریری آن» خواند. این سومین بار است که خبرنگاران آسوشیتدپرس از پوشش دادن صحبت‌های رئیس‌جمهور منع شده‌اند. این لطمه‌های بزرگ به میلیاردها نفری است که به آسوشیتدپرس برای اخبار بی‌طرفانه اعتماد دارند.

این اختلاف از سه‌شنبه گذشته و پس از آن آغاز شد که به آسوشیتدپرس اطلاع داده شد به دلیل تصمیم این خبرگزاری برای استفاده نکردن از نام «خلیج مکزیک» به جای «خلیج امریکا» مطابق فرمان اجرایی ترامپ در ماه میلادی گذشته، از حضور در رویدادهای کاخ سفید منع خواهد شد. در واقع ترامپ همان رفتاری را در برابر واقعیات تاریخی در پیش گرفته که برخی کشورهای عربی در قبال خلیج فارس در پیش گرفته‌اند و این مساله نشانگر آن است که برای رئیس‌جمهور امریکا آنچه خودش می‌گوید مهم است نه آنچه «همه» می‌گویند!

در واقع، این مساله بیشتر «بهانه» است؛ ترامپ می‌خواهد «همه را بترساند» و دارد از رسانه‌های امریکایی که نقش مهمی در شکستش در رقابت با جو بایدن داشتند، انتقام می‌گیرد. عموم این رسانه‌ها وابسته به لیبرال‌ها و نئولیبرال‌ها هستند که بخشی از سازمان فکری دمکرات‌ها محسوب می‌شوند. به عبارت بهتر، ترامپ دارد نقش یک دیکتاتور را بازی می‌کند که می‌داند بیش از ۴ سال در قدرت نیست و اگر دست خودش بود و می‌توانست بدون شک این مدت زمان را افزایش می‌داد.

شاید کسی متوجه این مساله نشده باشد که چرا فروش جنگنده‌های اف-۳۵ ترامپ با آب و تاب آن‌ها را «آرداگریز» خواند به نوعی تحقیر هندی‌ها به شمار می‌رود. این مساله زمانی روشن می‌شود که چین به عنوان بزرگ‌ترین رقیب هند چند مدل جنگنده نسل ۵ تولید کرده که به تعداد صدها فروند در اختیار دارد، و تاکید روی این مساله به نوعی تحقیر هندی‌ها بود که «بلکه شما نمی‌توانید چنین جنگنده‌ای بسازید که بتواند با نمونه‌های چینی رقابت کند!» اما این موضوع به نظر چندان



نظر هندی‌ها را جلب نکرده باشد و از این نحوه بیان ترامپ هم عصبانی هستند. ابتدا باید بگویم که هندی‌ها هنوز هم می‌خواهند نمونه‌های روسی جنگنده‌های نسل پنجم را در اختیار بگیرند که بسیار پیشرفته‌تر، بهتر، قابل‌تر، چالاک‌تر و در ضمن، کم‌عیب‌تر از نمونه امریکایی است و از طرف دیگر، هندی‌ها تا امروز دنبال خرید اف-۳۵ از امریکا نرفته‌اند چرا که اصولاً آش‌دهان‌سوزی نیست. این را هم باید گفت که چند روز پیش هندی‌ها قراردادی را پیش از سفر مودی به واشنگتن با روس‌ها امضا کردند که بر اساس آن قرار شد بیش از ۲۰۰ فروند سوخو-۳۰ هندی به نسخه‌های پیشرفته‌تر ارتقا پیدا کنند.

برای اینکه بدانید چرا هندی‌ها احساس کردند، تحقیر شدند باید به اظهارات مقامات این کشور دقت کنید؛ یکی از مقام‌های وزارت خارجه هند در این زمینه گفت: دهلی نو فرایندی کامل برای خریدهای نظامی خارجی از جمله درخواست پیشنهادات از تولیدکنندگان و ارزیابی آنها دنبال می‌کند. وی در پاسخ به سوالاتی درباره فروش جنگنده‌های اف-۳۵ توسط امریکا نیز گفت: «فکر نمی‌کنم با توجه به دستیابی هند به سکوی پیشرفته هوانوردی، این روند هنوز آغاز شده باشد. این چیزی است که در حال حاضر در مرحله پیشنهاد است.» دستیابی هند به سکوی پیشرفته هوانوردی یعنی چه؟ یعنی اینکه ما هم خودمان می‌توانیم بسازیم!

مساله فروش اف-۳۵ یک مساله خیلی امنیتی نیست، بیشتر مساله مالی در میان است. گفته می‌شود در صورتی که حدود ۴ هزار فروند از این جنگنده به حساب نسل پنجم فروخته شود، سرمایه‌گذاری صورت گرفته در این زمینه بر می‌گردد و به نوعی لاکهید مارتین به سوددهی می‌رسد. هندی‌ها می‌خواهند برای نیروی دریایی خود اف-۱۸ سوپرهورنت خریداری کنند و همچنین طی قراردادی هنگفت سال گذشته، با خرید ۳۱ پهپاد B SeaGuardian-MQ و SkyGuardian ۹ پس از مذاکراتی که بیش از شش سال به طول انجامید، موافقت کرد.

اما مساله اصلی برای ترامپ، کسری تراز تجاری ۱۰۰ میلیارد دلاری میان امریکا و هند است که ترامپ می‌خواهد آن را کاهش دهد. این مساله هم برای هندی‌های کاسب فرصتی است تا هم به خوبی چانه‌زنی کنند، هم بگیرند و هم کمتر بدهند و از طرف دیگر، پل‌های پشت سر خودشان را خراب نکنند. مودی با آگاهی از نیاز مبرم امریکا به هند و موقعیت آن، به نظر به خوبی با ترامپ چانه‌زنی کرده و به همین دلیل رئیس‌جمهور امریکا در نشست خبری با او گفت: «هند تقریباً بالاترین تعرفه‌ها را در جهان دارد. آنها را سرزنش نمی‌کنم» که در واقع، معنایش این است که نمی‌خواهم با هندی‌ها جنگ تعرفه‌ها را راه بیندازم.

در حالی که ترامپ در مورد کانادا و مکزیک و چین بدون هیچ صحبتی تعرفه‌ها را بالا برد، اما در مورد هند به نظر بیش از پیش نرمش به خرج داد و گفت: «امروز کسری تجاری ایالات متحده با هند تقریباً ۱۰۰ میلیارد دلار است. نخست‌وزیر مودی و من توافق کردیم که مذاکراتی برای رفع اختلافات طولانی‌مدت آغاز کنیم.» و این یعنی آنکه هند باید به جای این کسری از امریکا نفت خام خریداری کند که با به نظر چندان مورد رغبت و اقبال هندی‌ها هم نیست چرا که آن‌ها همواره به «مردودخوری» عادت داشته و نمی‌خواهند پول زیادی برای خرید نفت هزینه کنند. وقتی نفت مفت روسیه وجود دارد، چرا نفت گران امریکا خریداری شود؟

در هر صورت، امریکا هند را برای آینده‌اش می‌خواهد؛ شاید در فکر این است که با هند هم به بریکس ضربه بزند و هم به شانگهای، هم به چین فشار وارد کند و هم به روسیه؛ وعده ترامپ - مودی برای افزایش مبادلات تجاری به ۵۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۰، یک هدف‌گذاری بزرگ است اما هندی‌ها هم می‌دانند که امریکا فقط ۳۵۰ میلیون نفر جمعیت دارد و چین ۴ برابر آن، روسیه منابعی دارند که امریکا ندارد و بریکس و شانگهای برای هندی که عضو شورای امنیت نیست جای بهتری است تا اینکه در میان همسایگانش در هیچ پیمانی قرار نداشته باشد. اینجاست که بازی برای طرف هندی سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود.

ناراحتی باغ گل از حمله معاون کدخدا!!

تنها ساعتی پس از سخنرانی طوفانی و اروپاتحقیق کن دی‌جی ونس معاون ترامپ در کنفرانس امنیتی مونیخ که اروپایی‌ها را آشفته، آزرده و البته عصبانی کرده بود، صدراعظم آلمان در سخنانی معاون ترامپ را به دخالت در انتخابات این کشور متهم کرد!! البته این روز خوش کشورهای متوهم اروپایی و باغ گل آن‌ها است و بدتر از این موارد در پیش خواهد بود.

یک روز پس از آن که ونس در کنفرانس سالانه امنیتی مونیخ رهبران آلمان را با این خواسته از آن‌ها که «دیوار آتش» خود را کنار گذاشته و به حزب راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» اجازه ورود به دولت فدرال را بدهند، شوکه کرد، شولتس، ونس را متهم کرد که او عملاً، تعهد نسبت به این امر را نقض کرده است که هرگز اجازه اداره آلمان توسط فاشیست‌ها داده نشود که ممکن است وحشت هولوکاست را دوباره تکرار کنند.

شولتس، امروز، در سخنرانی خود در این کنفرانس امنیتی با بیان اینکه تعهد نسبت به «هرگز دوباره» با حمایت از آلترناتیو برای آلمان سازگار نیست، گفت که حزب آلترناتیو برای آلمان جنایات نازی‌ها مانند اردوگاه کار اجباری در داخاو را کم اهمیت جلوه داده است که ونس، جمعه گذشته، از آن بازدید کرد. صدراعظم آلمان گفت که این کشور «دستور خارجی‌ها درباره نحوه اداره دموکراسی خود را نمی‌پذیرد و مطمئناً، با چنین حزبی نیز همکاری نخواهد کرد. این کار، به‌ویژه میان دوستان و متحدان انجام نمی‌شود. تصمیم‌گیری درباره این که دموکراسی ما از این جا به بعد به چه سمتی می‌رود، بر عهده خودمان است.»

اظهارات شولتس آخرین مورد از انتقادات سیاستمداران آلمانی از سخنرانی ونس از جمله از سوی «فردریش مرتز» از حزب دموکرات‌های مسیحی محافظه‌کار بود که در نظرسنجی‌ها برای انتخابات صدراعظمی هفته آتی پیش‌شاز است. حزب سوسیال دموکرات که شولتس به آن تعلق دارد، رتبه سوم با چهارم را در بیشتر نظرسنجی‌ها دارد. حزب آلترناتیو برای آلمان رتبه دوم را دارد و «الیس وایدل» گزینه صدراعظمی آن، جمعه گذشته در مونیخ با ونس دیدار کرد. البته صدراعظم آلمان که به نظر در انتخابات پیش‌رو شانس برای بقا در قدرت ندارد، سعی کرد تا با احتیاط پاسخ معاون ترامپ را بدهد. او سپس، به انتقاد مستقیم از اظهارات ونس درباره محدود کردن آزادی بیان در اروپا پرداخته و گفت: باید بسیار با صراحت بگوییم که آزادی بیان در اروپا به این معنی است که شما به روش‌هایی که برخلاف قوانین و مقررات کشورهای ما است، به دیگران حمله نکنید. موضوع این است. باید صراحتاً بگوییم که نفرت و چیزهایی از این دست که برای جوامع ما بسیار بد است، نباید به واقعیت گفتمان عمومی ما تبدیل شود.

انتقادهای صریح، رک و بی‌پرده ونس از اروپایی‌ها با استقبال ترامپ مواجه شد تا حاضران در «باغ وحشت» بدانند که آنچه گفته شده، ناشی از یک صدای واحد از کاخ سفید است. روزنامه‌نگاران ساعتی بعد در همان روز در یک کنفرانس مطبوعاتی در کاخ سفید به «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور امریکا گفتند که سخنرانی ونس در اروپا بسیاری را آزار داد و از او پرسیدند که «آیا موافق است که نخبگان اتحادیه اروپا دیدگاهی اساساً متفاوت از جهان دارند؟»

ترامپ در پاسخ گفت: من فکر می‌کنم که سخنرانی او با استقبال خوبی روبرو شد. من سخنان بسیار خوبی شنیده‌ام. خوشحالم که او آن را انجام داد. یک سخنرانی بسیار خوب، در واقع، یک سخنرانی بسیار درخشان ارائه داد و اروپا باید مراقب باشد. من سخنرانی او را شنیدم و او درباره آزادی بیان صحبت کرد و فکر می‌کنم این درست است. در اروپا، آنها در حال از دست دادن حق شگفت‌انگیز خود در رابطه با آزادی بیان هستند.

هدف از طرح اخراج شهروندان فلسطینی از غزه!

ابوالغیط دبیرکل اتحادیه عرب را بازتاب داد. قرقاش در حساب کاربری خودش نوشت: «جنبش حماس باید مصلحت ملت فلسطین را بر مصلحت خود مقدم بدارد. دعوت عاقلانه ابوالغیط برای کناره‌گیری حماس از اداره غزه به ویژه در سایه فراخوان‌ها برای کوچاندن ملت فلسطین از نوار غزه به جا بود.»

این یعنی که از همان ابتدا هم ترامپ، نتانیاهو و دیگر اوباش عرب منطقه‌ای او دنبال همین هدف بودند، بگویند که اهالی مردم غزه ما شما را بیرون نمی‌کنیم اما شما حماس را بیرون کنید! البته طرح این مساله هم نشان از بلاغت آن‌ها دارد، جنبش حماس بخشی از مردم غزه است و مثلاً بگویند که حماس از غزه بیرون برود، باید ۵۰ درصد از مردم غزه به همراه خانواده‌هایشان بیرون بروند و این هم شدنی نیست. این موضوع نشان از

در مورد سیاست ترامپ و آنچه که در مورد غزه و اخراج ساکنان این منطقه به کشورهای مصر و اردن نوشتیم که «ترامپ به مرگ می‌گیرد تا به تب راضی شوند» و از اول هم خودش بهتر از همه می‌دانست وقتی با ۱۵ ماه جنگ و این همه جنایت یهودی‌ها با مشارکت مستقیم امریکا نتوانستند ساکنان غزه را از این باریکه بیرون کنند، سر میز مذاکره هم نخواهند توانست. با این حال ترامپ پشت سر هم اصرار می‌کند، چرا که دنبال یک هدف خاص است، تأمین یکی از اهداف اصلی نتانیاهو و کاخ سفید از این همه جنایت در حق مردم غزه ...

از طرف دیگر، بارها گفتم و نوشتیم که در منطقه غرب آسیا، اولاد زاید از یهودی‌ها و اردوگان از هر دوی این‌ها بدتر و منافق‌تر است. برای همین هم شما دنبال خط وابستگی به بن زاید بروید تا حقیقت سیاست ترامپ در مورد غزه را متوجه شوید. این حرف را هم کسی نمی‌زند جز انور قرقاش. البته او حرف‌های احمد

بحران جدی و عمیق در لایه‌های امنیتی در تل‌آویو و واشنگتن دارد و آن‌ها بر این باورند که تا زمانی که حماس در غزه است، سایه جنگ نیز در این منطقه گسترده است...



آمریکا شریان‌های نفتی و پتروشیمی ایران را هدف گرفت

رضاسهرابی

دولت آمریکا طی ماه‌های گذشته تحریم‌های هدفمند خود در ارتباط با بخش‌های نفت و پتروشیمی ایران را توسعه داده است. این تصمیم که در کنار سایر قطعات پازل تحریمی آمریکا، کاهش و قطع شدن صادرات نفت ایران به چین را دنبال می‌کند، در صورت عدم واکنش مناسب از سوی دولت ایران، می‌تواند در کنار زمزمه فعال‌سازی مکانیزم ماشه، فشار تحریم علیه ایران را در سال پیش رو تشدید کند.



وزارت خزانه‌داری ایالات متحده طی تصمیم مورخ ۱۱ اکتبر ۲۰۲۴، طبق آنچه در بیانیه مطبوعاتی خود منتشر کرده است، در پاسخ به حمله ۱۱ اکتبر ایران به رژیم صهیونیستی، تحریم‌های هدفمند مرتبط با بخش‌های نفت و پتروشیمی ایران را توسعه داده است.

همچنین وزارت خزانه‌داری آمریکا در روز ۱۹ دسامبر ۲۰۲۴ تحریم‌های جدیدی را علیه ۴ نهاد و ۳ کشتی فعال در تجارت نفت و پتروشیمی ایران وضع کرد. دلیل وضع تحریم‌های اخیر، نقش این نهادها و کشتی‌ها در افزایش درآمد جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن، توسعه برنامه هسته‌ای ایران، توسعه و تکثیر موشک‌های بالستیک و تامین مالی گروه‌های نیابتی تروریستی مانند «حزب‌الله»، «حماس» و «حوثی‌ها» عنوان شده است. همزمان با این اقدام، وزارت خارجه دولت آمریکا نیز ۴ نهاد فعال در انتقال نفت ایران (در حوزه‌های حاکمیتی مختلف) را شناسایی و به لیست مذکور اضافه کرده است.

تحریم بیشتر همزمان با زمزمه فعال‌سازی مکانیزم ماشه

دولت آمریکا با این اقدام، دستیابی به اهداف متعددی را دنبال می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها، افزایش فشار بر جمهوری اسلامی به منظور کاهش درآمد‌های حاصل از فروش انرژی و در نتیجه آن، محدود کردن توانایی ایران برای حمله به شرکا و متحدان آمریکا و بی‌ثبات‌سازی منطقه عنوان شده است.

به نظر می‌رسد این اقدامات همزمان با زمزمه فعال‌سازی مکانیزم ماشه توسط کشورهای غربی و در راستای سیاست فشار حداکثری برای در تنگنا قرار دادن جمهوری اسلامی و افزایش قدرت چانه‌زنی طرف غربی در مذاکرات احتمالی پیش‌رو اتخاذ شده است. در ادامه، به مبنای قانونی تحریم اخیر، نهاد‌های تحریم شده و آثار این تحریم‌ها پرداخته خواهد شد.

مبنای قانونی تصمیم‌های تحریمی اخیر آمریکا

تصمیم‌های اخیر وزارت خزانه‌داری، در یک کار مشترک با وزارت امور خارجه آمریکا و بر مبنای دستورات اجرایی «۱۳۹۰۲» و «۱۳۸۴۶» و همچنین، روح پیش‌نویس قانون «توقف پناه دادن به نفت ایران» معروف به «قانون SHIP» اتخاذ شده است. «قانون SHIP» اگرچه هنوز تصویب مجلس سنا را به عنوان یک قانون مستقل کسب نکرده است، اما با توجه به اینکه متن آن در قالب قانون «ایجاد اعتبارات تکمیلی اضطراری برای سال منتهی به ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۴» [۳] در کنار دیگر قوانین تصویب شد و برای اجرای مفاد آن اعتبار اضطراری در نظر گرفته شد، به هدف و مفاد آن در اجرای تصمیم اخیر وزارت خزانه‌داری توجه شده است. به موجب «قانون SHIP»، دولت آمریکا مجاز است علیه اشخاص خارجی که در تجارت نفت و فرآورده‌های نفتی از مبدا ایران فعالیت می‌کنند، تحریم‌هایی را اعمال کند. [۴]



بازی پنهان چین در بازار نفت تحریمی ایران و روسیه

چند پایانه‌های نفتی تازه تأسیس در چین، پذیرش نفتکش‌های تحریم‌شده از سوی آمریکا را آغاز کرده‌اند. این اتفاق پس از آن رخ داد که یکی از اپراتورهای بزرگ بندری چین، به طور غیرمنتظره‌ای ورود این نفتکش‌ها را ممنوع کرد. این اقدام جدید، راهی برای دور زدن محدودیت‌ها و ادامه‌ی واردات نفت تحریم‌شده‌ی روسیه و ایران به چین است.

تحریم نفت ایران و روسیه پالایشگاه‌های چین را دچار مشکل کرده است

گروه بنادر شاندونگ (Shandong Port Group) در اوایل ژانویه اعلام کرد که دیگر اجازه‌ی ورود کشتی‌های تحریم‌شده توسط خزانه‌داری آمریکا را نمی‌دهد. این تصمیم، واردات نفت به استان شاندونگ، که مرکز پالایشگاه‌های مستقل و خریداران اصلی نفت تحریمی است، را با مشکل مواجه کرد.

با وجود این ممنوعیت، از آن زمان تاکنون، کمتر از ۱۰ محموله‌ی نفتی با کشتی‌های تحریم‌شده به چین وارد شده است. این میزان، بخش کوچکی از کل واردات نفت خام چین را تشکیل می‌دهد. منابع تجاری که این اطلاعات را در اختیار رسانه‌ها قرار داده‌اند، به دلیل حساسیت موضوع، نخواهند نامشان فاش شود.

تحریم‌های آمریکا و محدودیت‌های بندری، هزینه‌های پالایشگاه‌های چینی را بالا برده و تجارت نفت را کند کرده است. به همین دلیل، کشتی‌های غیرتحریم‌شده‌ی گران‌قیمت‌تری برای جبران کمبود، وارد چرخه شده‌اند.

برای مثال، نفتکش سی‌هه (Si He) که در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارد، محموله‌ای از نفت روسیه را به بندر دونگ‌بینگ در شاندونگ تحویل داده است. ترمینال دونگ‌بینگ، کوچکتر از پایانه‌های بزرگ تحت مدیریت گروه بنادر شاندونگ است و توسط شرکت دیگری اداره می‌شود.

همچنین، کشتی نیکولا (Nichola) که قبلاً «روح کاسپر» نام داشت و آن هم در فهرست تحریم‌ها قرار دارد، حدود یک میلیون بشکه نفت ایران را که از مالزی بارگیری شده بود، به بندری در جنوب چین منتقل کرده است. نکته‌ی جالب این است که نفت ایران اغلب با برچسب مبدأ مالزی وارد چین می‌شود. چین، بزرگترین خریدار نفت ایران است.

موضع چین در برابر تحریم‌ها

دولت چین همواره با تحریم‌های یک‌جانبه‌ی آمریکا مخالف بوده و تجارت نفت با ایران را قانونی می‌داند. پکن همچنین از محکوم کردن روسیه به دلیل حمله به اوکراین خودداری کرده است. وزارت خارجه‌ی چین در واکنش به این گزارش‌ها، بار دیگر بر این موضع تأکید کرد و از آمریکا خواست که در تجارت عادی چین با دیگر کشورها اختلال ایجاد نکند.

علاوه بر موارد ذکر شده، پایانه‌های دیگری در چین نیز محموله‌های نفت ایران را دریافت کرده‌اند که نشان می‌دهد چین برای تامین نیازهای انرژی خود، راه‌های مختلفی را برای دور زدن تحریم‌ها به کار می‌گیرد.

واشنگتن در ژانویه، با هدف قرار دادن نفتکش‌هایی که بخش عمده‌ای از صادرات نفت روسیه را حمل می‌کنند، تحریم‌های سختی را علیه زنجیره‌ی تامین نفت این کشور اعمال کرد. چین، پس از هند، دومین خریدار بزرگ نفت روسیه از طریق دریا است.

وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین تحریم‌های جدیدی را علیه افراد و نفتکش‌هایی که در انتقال نفت ایران به چین نقش دارند، وضع کرده است. (منبع: رویترز)

پی‌نوشت:

از جمله دیگر مواردی که در «قانون ایجاد اعتبارات تکمیلی اضطراری» به آنها اشاره شده عبارتند از:

— قانون پاسخگو نمودن رهبران ایران، مصوب ۲۰۲۴؛
— قانون اعتبارات تکمیلی مربوط به امنیت هند و اقیانوسیه، مصوب ۲۰۲۴؛

— قانون تحریم‌های انرژی ایران و چین، مصوب ۲۰۲۳؛
— قانون اعتبارات تکمیلی امنیت اسرائیل، مصوب ۲۰۲۴؛
— قانون مهسا؛

— قانون پاسخگویی امنیتی و حقوق بشر مهسا امینی؛

— قانون اعتبارات تکمیلی امنیت اوکراین، مصوب ۲۰۲۴

[۴] به عنوان بخشی از بسته تخصیص اعتبارات اضطراری که در آوریل ۲۰۲۴ تصویب شد (P.L. ۱۱۸-۵۰)، کنگره دو اقدام تحریمی مرتبط با نفت ایران را اجرایی کرد: ۱. قانون توقف پناه دادن به نفت ایران (SHIP) (بخش J) که رئیس‌جمهور را موظف می‌کند تحریم‌هایی را بر افراد خارجی که در فعالیت‌های مرتبط با نفت ایران شرکت دارند، از جمله پالایشگاه‌ها و صاحبان یا اپراتورهای بنادر خارجی، اعمال کند و همچنین مدیر اداره اطلاعات انرژی را موظف می‌کند که گزارش‌های سالانه‌ی درباره صادرات نفت ایران ارائه دهد. ۲. قانون تحریم‌های انرژی ایران و چین ۲۰۲۳ (بخش S) که قانون مجوز دفاع ملی سال مالی ۲۰۱۲ (NDAA) را اصلاح می‌کند تا مشخص کند که «معاملات مالی مهم» شامل مواردی می‌شود که توسط مؤسسات مالی چینی و مرتبط با صادرات نفت ایران انجام می‌شود و رئیس‌جمهور را موظف می‌کند که هر سال تا سال ۲۰۲۹ تعیین کند که آیا هیچ‌یک از مؤسسات مالی چینی در فعالیت‌های تحریم‌پذیر شرکت کرده‌اند یا خیر. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. به: تأثیر تحریم‌های آمریکا بر صادرات نفت ایران به چین چیست؟ (۱۴۰۳/۰۲/۲۸)، اکو ایران.

[۵] منظور کشورهای مختلف است و علت آن تابعیت کشتی‌هاست که به علت دور زدن تحریم‌ها متفاوت است.

کدام شرکت‌ها و نفتکش‌ها تحریم شده‌اند؟
طی تصمیم مورخ ۱۱ اکتبر ۲۰۲۴، اوفک، در راستای اجرای مقررات یاد شده، ۱۰ نهاد را در حوزه‌های حاکمیتی (Jurisdictions) مختلف [۵] تعیین و ۱۷ کشتی را ذیل «دراپی‌های مسدود شده» شناسایی کرده است. در راستای کار مشترک دو وزارتخانه، وزارت امور خارجه آمریکا نیز ۶ نهاد را تعیین و ۶ کشتی را تحت عنوان «اموال مسدود شده» شناسایی کرده است. این اقدام بر مبنای دستور اجرایی «۱۳۸۴۶» و به واسطه مشارکت آگاهانه این نهادها و کشتی‌ها در معاملات مربوط به خرید، تصاحب، فروش، حمل‌ونقل یا بازاریابی نفت یا محصولات نفتی از ایران انجام شده است.

همچنین به موجب تصمیم ۱۹ دسامبر، وزارت خزانه‌داری آمریکا ۴ شرکت و ۳ کشتی مرتبط با فروش نفت ایران را تحریم کرده است و هم‌راستا با این تصمیم، وزارت خارجه آمریکا نیز ۴ شرکت و ۶ کشتی مرتبط با نفت ایران را مورد تحریم قرار داده است. بنابراین، در مجموع ۸ شرکت و ۹ کشتی مرتبط با ایران در تصمیم اخیر وزارت خزانه‌داری، مشترکاً با وزارت خارجه آمریکا، مورد تحریم قرار گرفته‌اند.

شرکت‌های تحریمی اخیر در کشورهای نظیر جزایر مارشال، هند، سورینام، سیشل، هنگ کنگ چین، یونان و لیبیا به ثبت رسیده‌اند.

شکست ایده اصلاح طلبان مبنی بر حل مشکلات معیشتی مردم از طریق توافق با آمریکا

این، برخلاف وعده‌های داده شده مبنی بر جذب ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی، هیچ توافق اقتصادی معتبر و پایداری با غرب در جریان برجام به دست نیامد.

در همین دوره و برخلاف تبلیغات گسترده غرب‌گرایان، نه تنها تحریم‌ها کاهش نیافت، بلکه شمار آن‌ها دوبرابر شد. همچنین، در این مسیر امتیازات یک‌جانبه‌ای به‌طور مقابل داده شد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، محدودیت‌های شدید بر برنامه هسته‌ای کشور و بتن‌ریزی در قلب راکتور اراک بود؛ اقدامی که نه تنها توان هسته‌ای کشور را محدود ساخت، بلکه بدون دریافت هیچ‌گونه تضمین عملی، قدرت چانه‌زنی ایران را نیز کاهش داد.

یکی از خسارت‌های قابل‌توجهی که این جریان سیاسی به ملت ایران تحمیل کرد، سازوکار موسوم به «مکانیزم ماشه» بود که رهبر معظم انقلاب از آن با تعبیر «استخوان‌لای‌زخم» یاد کردند. مکانیزم ماشه یا بازگشت خودکار تحریم‌ها (Snapback)





فیلم يك اتفاق روی نداده را روایت می کند

امیرمهدی پوروزیری

امیرمهدی پوروزیری، کارگردان با حضور در برنامه «سودای سیمرغ» ویژه برنامه چهل و سومین جشنواره فیلم فجر بیان داشت: فیلم «۱۹۶۸» فیلم سختی بود و مهمترین مسئله و سختی فیلم موضوعی آن بود که موضوعی مهم است و اینکه این فیلم در زمان کمی باید ساخته می شد.

وی افزود: موضوع این فیلم از موضوعاتی است که ساخت آن در شرایط فعلی که اغلب به دنبال موضوعات عافیت طلبانه هستند موضوعی سخت بود.

پوروزیری تصریح کرد: در فیلم «۱۹۶۸» قرار است یک واقعه از دل تاریخ آورده شود و بیان کند که آنچه امروز داریم ریشه در تاریخ دارد.

وی با بیان اینکه فیلم داستان سازی است بیان داشت: در این نوع فیلم سازی حتی مصاحبه شوندگان هم بخشی از بازی فیلم هستند که این نوع فیلم سازی در سینمای ما مهجور است و تصور به سمت مستند می رود که البته این فیلم مستند نما است، نه مستند به معنای واقعی.

این کارگردان اظهار داشت: در سینمای ما یک سلیقه مستند و سلیقه رئالیستی وجود دارد و در این شکل همه اصرار دارند چقدر از کار واقعی و چقدر مستند است که من این را دوست ندارم و احساس می کنم که سینما جای تخیل و رویاپردازی و قصه گفتن است.

۱۹۶۸ یک اتفاق روی نداده را روایت می کند

داود گنجوی، نویسنده نیز در ادامه با بیان اینکه فیلمنامه فیلم ۱۹۶۸ واقع نمایی است و در واقع یک اتفاق روی نداده را روایت می کند بیان داشت: در واقع در سال ۱۳۵۲، خسرو گل سرخی طرح داشت که ولیعهد را بنزدند ولی عملی نمی شود و ایده اول فیلم از آنجا می آید.

وی افزود: آنگونه که تصور می شود فیلم تمام نمی شود و فیلم به واقعیت نزدیک است و اگر واقعا اتفاق روی می داد همانگونه که در فیلم روایت شده بود.

گنجوی در مورد صحنه های مستند در فیلم نیز بیان داشت: اگر آنچه که در فیلمنامه بود ساخته می شد فیلم ۱۹۶۸ فیلم مهمی بود ولی متأسفانه وقت نشد و مستندهایی که در فیلمنامه جا گذاری شده بود نرسید و فقط مستندات فوتبال رسید که اول و آخر فیلم با فوتبال شروع و تمام می شود.

وی ادامه داد: در صورت رسیدن مستندها اتفاقات فیلم باید در دشت قزوین که به اسرائیل سپرده شد و از آنجا نشات می گیرد، شروع می شد.

این نویسنده با تاکید بر اینکه فیلمنامه فیلم ۱۹۶۸ بر مبنای مصاحبه ها بود اذعان داشت: فیلم ۱۹۶۸ در تبلیغات بسیار ضعیف بود و فیلمنامه بر مبنای مصاحبه هاست.

دولت ترامپ چند کتاب را در مدرسه ها ممنوع کرد

دولت ترامپ چند کتاب ادبیات کودکان از جمله «توت فرنگی ککومکی» نوشته جولیان مور را از مدرسه های تحت مدیریت وزارت دفاع آمریکا ممنوع کرد.

این کتاب داستان یک دختر هفت ساله است که از ککومک های خود خوشش نمی آید اما در نهایت با پذیرش تفاوت های خود، متوجه می شود که همه افراد از جهاتی با یکدیگر متفاوت اند.

نویسنده «توت فرنگی ککومکی» در واکنش به ممنوع شدن کتابش می گوید: «نمی توانم درک کنم که چه چیزی در این کتاب آن قدر بحث برانگیز بوده که دولت آمریکا آن را ممنوع کرده است. این موضوع برای من عمیقاً ناراحت کننده است و هرگز فکر نمی کردم که چنین چیزی را در کشوری ببینم که آزادی بیان و آزادی اندیشه در آن یک حق قانونی است.»

دو کتاب دیگر نیز در فهرست ممنوعه مدارس وزارت دفاع قرار گرفته اند که شامل «هیچ حقیقتی بدون روت وجود ندارد» نوشته کانلین کرول و «تیکل شدن» نوشته امی الیس نات می شوند.

کمال تبریزی



بخش دوم گفت و گو کمال تبریزی یکی از اعضای هیات داورى جشنواره فجر با خبرگزاری ایسنا را در ادامه می خوانیم.

بعد از پایان اختتامیه اظهار نظرهای مختلفی درباره رأی های هیات داوران مطرح شد و نوع قضاوت با برخی دوره های دیگر مقایسه می شد. برخی معتقدند که این هیات داورى جسارت انتخاب نداشته است. آیا واقعا جسارتی در میان داوران وجود نداشت یا اینکه کیفیت فیلم ها کار را به جایی رساند که جوایز بین همه تقسیم شود؟ برای پاسخ به این سوال یک پیش بینی دارم اما پیش از گفتن آن چند نکته را اشاره می کنم. اول اینکه فیلم «سونسوز» که آن را در روزهای اول داورى دیدیم بسیار دلنشین بود و همه نسبت به آن حس خوبی داشتیم. شاید اگر وارد جزئیات فیلم شویم به لحاظ حرفه ای نکاتی قابل بحث باشد اما به طور کلی فیلم یک ترکیب درست و روان داشت.

این فیلم فقط در بخش کارگردانی کاندیدا شد چون در این بخش قدرت کافی داشت و مثلا در بخش فیلمنامه به نظرم بداهه نقش پررنگ تری را ایفا می کرد. (تاکید می کنم این نظر شخصی من است) ولی با این حال جایزه ویژه هیات داوران را گرفت که جایزه کمی هم نیست و جزء جوایز مهم جشنواره ها محسوب می شود.

این فیلم حس درستی به ما منتقل کرد و داوران متفق القول بودند که این جایزه ویژه را برای «سونسوز» در نظر بگیریم، اما مجموع تأثیری که فیلم های دیگر روی داورها گذاشتند به این شکل نبود، پس طبیعی است به سمتی نرویم که همه جوایز یا اغلب جوایز مهم را به یک فیلم بدهیم در حالی که با قاطعیت می گویم اگر «پیر پسر» وارد بخش مسابقه شده بود با همین هیات داورى تمام جوایز مهم شامل جایزه کارگردانی، جایزه های بازیگری، تدوین، فیلمبرداری و طراحی صحنه همه متعلق به «پیر پسر» بود.

بنابراین نباید گفت که هیات داورى جسارت نداشت بلکه باید گفت فیلمی وجود نداشت که داورها بخواهند جسارت نشان دهند و اغلب جایزه های مهم را به یک فیلم بدهند. در «پیر پسر» حسن پورشیبازی به شکلی بازی کرده که نه قبل از آن چنین توانایی از خود نشان داده و نه ممکن است بعد از آن برایش تکرار شود. من روزی که فیلم را دیدم به او زنگ زدم و گفتم واقعا چطور چنین نقشی را بازی کردی؟ چون اگر از نزدیک با او آشنا باشید می دانید که او بسیار آدم دل رحم، مهربان و تودل برویی است که در این فیلم به یک «هیولا» تبدیل شده است.

عدم حضور فیلم هایی مثل «بی سروصدا» و «پیر پسر» یک بی عدالتی بود که هر دو به خاطر ممیزی شورای پروانه نمایش در سال های گذشته یا حتی دوره جدید به رقابت جشنواره نرسیدند. فیلم های «پیر پسر» و «بی سر و صدا» می توانستند به بخش مسابقه بیایند و جزء انتخاب های هیات انتخاب بودند اما هر دو بخاطر مسائل قبلی که داشتند، نتوانستند در جشنواره امسال حضور داشته باشند.

شما «پیر پسر» را به واسطه عضویت در شورای پروانه نمایش دیدید؟ بقیه اعضای هیات داوران هم آن را تماشا کردند؟

بله، من قبل از جشنواره فیلم را دیده بودم ولی هیات داورى هم از سر کنجکاوی درخواست تماشای فیلم را مطرح کردند که این امکان برایشان هم فراهم شد.

آیا «پیر پسر» الان که در جشنواره نمایش داده شد، راحت تر مجوز اکران عمومی می گیرد؟

امیدوارم که همینطور باشد. متأسفانه یک مشکل بزرگ این است که قوانین را می نویسیم و براساس آن جلو می رویم ولی عدم ارتباط و تعامل مشکلاتی را به وجود می آورد مثل جدل این فیلم با وزارت ارشاد که ظاهرا بابت شرکت در جشنواره های خارجی بود. به نظرم وجود و ماهیت سازمان سینمایی بخاطر فیلمسازان است و اگر فیلمسازی وجود نداشته باشد نیازی به سازمان هم نخواهیم داشت!

بنابراین باید با فیلمسازان تعامل کرد نه اینکه امر کنیم یا دستوراتی به آنان بدهیم. در گفت و گو می توان به جای حذف

فیلمی وجود نداشت که داورها بخواهند جسارت نشان دهند

نه واقعا چنین تفکیکی در داورى نداشتیم. ما تقریبا تا آخرین روز سر تمام جایزه ها اختلاف نظر و بحث داشتیم ولی سعی کردیم آراء را تجمیع کنیم و به اقتناء برسیم. به نظرم این هیات داورى واقعا عالی بود که با وجود اختلاف نظرها، پس از بحث و گفت و گو، نتیجه رأی گیری هر چه بود از طرف همه پذیرفته می شد.

باید اعتراف کنم که در میان اعضا انتظار نداشتیم که آقای زرغامی اینقدر خوب همراهی کند. او به دور از اینکه فیلم ها توسط چه ارگان یا نهادی تولید شده اند، همه چیز را از منظر اجتماعی، جامعه و حتی کشوری نگاه می کرد ولی در رشته تخصصی نظر خود را موکول به نظر فرد متخصص هیات داورى می کرد.

ماجرای دعوا و قهر شما از هیات داورى چه بود؟ آیا همین موضوع باعث شد که تاریخ اعلام نامزدها برای بار دوم تغییر کند؟

(با خنده) من نه اهل قهر هستم و نه دعوا، اما اصل ماجرا بخاطر یک ترس و نگرانی بود و اگر بخواهم راحت بگویم، واقعیت این است که برای من حساسی به وجود آمد که انگار جلسات هیات داورى شوند می شوند و امکان درز اطلاعات وجود دارد. این حس باعث شد اعلام نامزدها برای احتیاط، زودتر اعلام نشود که برای فیلم های روز آخر هم بهتر بود.

بعد از آن ما شرایطی را ایجاد کردیم که در رأی گیری برای تعیین نامزدها خیلی متکی به صدا نباشیم و بیشتر با ایما و اشاره کار را پیش بردیم. من نگران شدم که نکند آراء، نظرات و بحث های ما مخفی نماند. من هیچ جلسه ای را ترک نکردم ولی نگرانی خودم را مطرح کردم و جالب بود که همان هم به شکل دعوا به بیرون درز کرد، البته اعتراض من باعث شد سخت گیری بیشتر و ورود افراد به جلسه داورى محدودتر شود. در جشنواره های مهم دنیا، داورها را قرنطینه می کنند تا همه چیز محرمانه بماند. ما هم در جلسه نهایی تلفن های همراه را بیرون گذاشتیم!

جالب است که برای فیلم های که در روز آخر در برج میلاد به نمایش درآمد، اتفاق های جالبی رخ داد و فیلمی که چندان مورد پسند سینمای رسانه نبود، در رشته های متعددی نامزد جایزه شد.

داورى واقعا سلیقه است. هر داور با همه مشخصات، علائق و سلاقی که دارد تصمیم می گیرد. از نظر من که عضو این هیات داورى بودم جایزه ها به بهترین شکل اهدا شدند. البته اگر فیلم «پیر پسر» در جشنواره بود اصرار می کردم که تمام جوایز اصلی به آن فیلم داده شود. به هر حال این نظر ماست و اگر داوران تغییر کنند همه نامزدها و جوایز امکان تغییر خواهند داشت.

در هر صورت اگر بعضی ها خود را جای سازندگان «غریزه» و «پیر پسر» بگذارند که موانع متعدد باعث شد در دایره قضاوت قرار نگیرند، دیگر جایی برای بحث عدالت باقی نمی ماند، همانطور که مصطفی زمانی به درستی گفت که اگر حسن پورشیبازی بود جایزه به هیچ کدام از ما نمی رسید.

نظر هیات داوران درباره فیلم های کمدی جشنواره چه بود؟

این تحلیل شخصی من است که می گویم، متأسفانه آنقدر فیلم های کمدی سال های اخیر بی آبرو شده اند و خودشان حیثیت خودشان را به یاد داده اند که دیگر از طرف مردم هم تمایلی به دیدن فیلم های کمدی در جشنواره دیده نمی شود، طوری که وقتی بحث فیلم کمدی می شود این تصور به وجود می آید که با اثری فاقد ارزش های هنری و صرفا برای سرگرمی مواجهیم.

البته رضا عطاران در فیلم «صددام» به نظر من بسیار بی نقص بازی کرده در حالی که یک کمدی دیگر از حضور بازیگرش آسیب دیده بود. با این حال کمدی ها آنقدر دم دستی شده اند که دیگر نمی توانند مخاطب را جذب ویژگی های واجد ارزش کنند و حتی در آراء مردمی هم رتبه ای کسب نمی کنند!

داورى و جمع بندی نهایی چه روزی انجام شد؟

حدود ظهر روز ۲۲ بهمن ماه جلسه نهایی را شروع کردیم و با توجه به اعتراض قبلی من، رأی گیری را مخفی و در سکوت انجام دادیم. به نظرم روش خوبی هم بود. بعد از گفتگوی مفصل در مورد نامزدهای هر بخش، اسامی کاندیداها را شماره بندی می کردیم و هر یک از داوران با اشاره عدد مورد نظر خود را اعلام می کرد! واقعا تلاش کردیم تا آرای داورى مخفی بماند و در نتیجه شاهد بودیم که اغلب سینماگران در مراسم اختتامیه حضور داشتند.

فکر نمی کنید اگر هیات داوران بیانیه می داد حاشیه های کمتری به وجود می آمد؟

معمولا هیات داوران بیانیه نمی دهند و بهترین راه همین است که کنفرانس مطبوعاتی گذاشته شود. ما باید چهره جشنواره را عوض کنیم و درست تر این بود که یک روز پس از اختتامیه یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور داوران برگزار می شد چون هیچ مسئله مخفی نداریم، با کسی هم دعوا نداریم. معتقدم جشنواره دیگر برای نسل بعد از ماست، و باید منتظر شاهکارهای متفاوت و درخشان از نسل آینده سینمای ایران باشیم.

کردن و آسیب زدن به یک پلان راه های دیگری پیدا کرد. من معتقدم اگر با فیلمسازان صحبت کنیم، بسیاری از مشکلات حل می شود چون در گفتگو درک متقابل حاصل خواهد شد. این نکته بسیار اهمیت دارد چون لاجرم باید مدل های قدیمی و کهنه را کنار گذاشت.

نکته دیگری را هم می خواهم درباره همین بخش ویژه به سازمان سینمایی و دبیر آینده جشنواره توصیه کنم، حالا که بخش ویژه در جشنواره ایجاد شده بهتر است آن را حفظ کنیم. ممکن است گفته شود که معلوم نیست سال آینده فیلم هایی داشته باشیم که شرایط نمایش در این بخش را داشته باشند یا نه، ولی به نظرم می توانیم این بخش را حفظ کنیم تا فیلم های فیلمسازانی که تسلط آن ها بر سینما بر همه محرز شده و در سال های گذشته هم سیمرغ گرفته اند با تمایل خودشان آثارشان در بخش ویژه نمایش داده شود.

باید راه را برای جوان ترها باز کرد. این صرفا یک پیشنهاد است چون مثلا فیلمسازی مثل آقای حاتمی کیا ثابت کرده که کارگردان قدرتمندی است و می تواند سرانجام یک فیلم را به حد کمال خود برساند. معلوم است که اگر او فیلم های بعدی را بسازد همیشه نامزد می شود ولی جشنواره می تواند متعلق به نسل بعدی باشد که زبان و بیان تازه ای را در سینما آغاز کرده اند، مثل اکتای برانهی با «پیر پسر» یا فیلم هایی مثل «بچه مردم» و «شمال از جنوب غربی» که سازندگانشان تجربه های جدید را به کار گرفته اند.

من می خواستم در مراسم اختتامیه نکته ای را بگویم که بخاطر طولانی شدن اعطای جوایز فرصت نشد. می خواستم بگویم، اساتید سینما باید حواس خود را جمع کنند که این موج جدید در سینما آغاز شده و عنقریب از همه ما عبور خواهد کرد. لحن و زبان سینما در حال تغییر است، مدل شخصیت پردازی در حال تغییر است و اگر ما در همان الگوهای قدیمی بمانیم قطعا از نسل بعدی شکست می خوریم. به نظرم جشنواره فیلم فجر باید جشنواره کشف استعداد برای سینمای ایران باشد گرچه همه از بزرگ و کوچک سودای سیمرغ دارند و تلاش می کنند که جایزه بگیرند.

بازیگرانی مثل شهاب حسینی بازی درجه یکی دارند و هنرشان در داخل و خارج ایران دیده شده است، در توانمندی مریلا زارعی و دیگران شکی نیست. گاهی فکر می کنم یک انجمن درجه یک های سینما داشته باشیم که شامل هنرمندان پلانمانع سینما باشد و از این پس آثار آنان در جشنواره قضاوت نشوند و میدان فجر اختصاصا به جوان ترها سپرده شود.

آیا این رویکرد از طرف شما در جلسه های داورى مطرح شد و در نتایج اثرگذار بود؟

نه، اینطور نبود که چنین مسئله ای را مطرح کرده باشم. آنچه توضیح دادم یک پیشنهاد برای آینده بود. قضاوت ما برخلاف برخی اظهار نظرها بر این مبنا نبود که برای احترام به یک فیلمساز، جایزه بهترین فیلم را به او بدهیم و بقیه جوایز را به فیلم های دیگر. فیلمی که واقعا از نظر هیئت داورى بهترین بود. (زیبا صدایم کن) واقعا از نظر هیئت داورى بهترین بود.

ما بر اساس نامزدها جایزه دادیم و آن هایی که در میان نامزدها نبودند اصلا امتیاز نگرفتند. در بعضی بخش ها تعداد نامزدها هم بیشتر بود چون نمی شد آن ها را نادیده گرفت؛ مثل بازیگر نقش اصلی فیلم «اسفند» در نقش شهید هاشمی که از نظر هیئت داورى در مقایسه با دیگر فیلم مشابه (اشک هور) خیلی خوب و متفاوت بود. در فیلم «۱۹۶۸» هم امیر نوروزی بازی اثرگذار و تعیین کننده داشت، یا لیلندا کیانی با وجود نقش کوتاهش به خوبی از عهده آن برآمده بود. در بخش بازیگری مکمل هم میرسعید مولویان در «ناتور دشت» مورد توجه داوران قرار گرفته بود و به نظرم او می تواند از کشف های آینده سینما باشد.

حالا که اسم بازیگران آمد، آیا با تعریف هایی که از توانمندی مریلا زارعی یا شهاب حسینی کردید، واقعا بازی آن ها را رأی نیاورد؟

به نظرم کاری که فریبا نادری در فیلم «شوهر ستاره» انجام داده، استثنایی بود. من اصلا ایشان را نمی شناختم و فقط شنیدم که در چند سریال بازی کرده اند ولی فیلم با کاری که او در ایفای نقش کرده، پیش می رفت. جذابیت فیلم هم همین نقش است و اینکه چقدر فیلمنامه آن در مدلی که برای این شخصیت نگاشته شده، خوب بود.

البته این جا کارگردان هم تعیین کننده است ولی توانایی بازیگر هم درخشان به نظر می رسد. در توانمندی شهاب حسینی که هیچ شکی وجود ندارد و بارها این توانایی به اثبات رسیده است. بازی امین حیایی در «غریزه» و «زیبا صدایم کن» درجه یک بوداما در کنار این دو، مصطفی زمانی تا به حال در این قامت دیده نشده بود. او همان کاری را در فیلم «شمال از جنوب غربی» کرد که فریبا نادری در «شوهر ستاره» انجام داد. زمانی درک درستی از نقش داشت و جایزه بخاطر تلاشی که کرده بود به او تعلق گرفت.

به نظر می رسد در هیات داورى نوعی توازن برای رأی نهایی وجود داشته تا هم آثار پیشکسوتان سینما جایزه بگیرند و هم جوان ترها!

محمدکاشی‌زاده

بازخوانی ایمان‌گرایی دانکیوپیت

دان کیوپیت (Don Cupitt)، متولد ۲۲ مه ۱۹۳۴ در لانکاشایر انگلستان، از چهره‌های برجسته و بحث‌برانگیز الهیات ناواقع‌گرا بود که با دیدگاه‌های غیرمتعارف خود، مرزهای سنتی ایمان و دین‌ورزی را به چالش کشید. او پس از پایان تحصیلات در رشته‌های علوم طبیعی، فلسفه و الهیات در دانشگاه کمبریج، در سال ۱۹۵۹ به مقام کشیشی کلیسای انگلیکن منصوب شد و از سال ۱۹۶۶ به‌عنوان دانشیار و سرپرست امور مذهبی کالج ایمان‌نل فعالیت کرد. با این حال، کیوپیت در دهه ۱۹۷۰ به تدریج از آموزه‌های سنتی مسیحیت فاصله گرفت و نظریاتی را ارائه داد که دین را به‌عنوان محصولی صرفاً انسانی و نه واقعیتی الهی معرفی می‌کرد.

دان کیوپیت در تاریخ ۱۸ ژانویه ۲۰۲۵، در سن ۹۰ سالگی درگذشت و دیدگاه‌های او همچنان موضوع بحث و نقد در فلسفه دین و الهیات است. این یادداشت به مناسبت وفات او تنظیم شده و با نگاهی انتقادی، به بررسی اندیشه‌ها و پیامدهای نظریه او در بحث ایمان‌گرایی ناواقع‌گرا می‌پردازد.

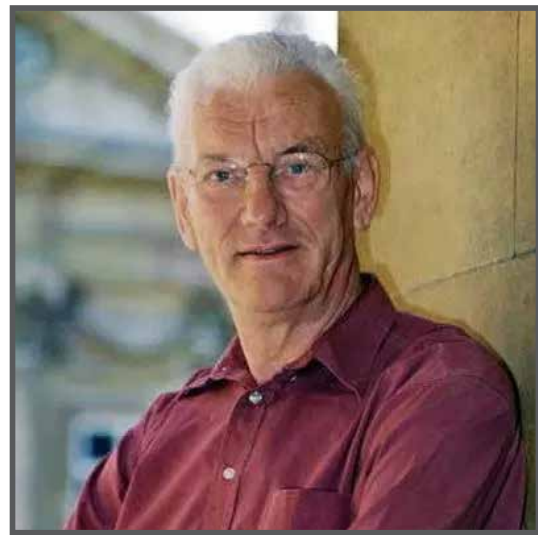
دان کیوپیت مجموعه‌ای از آثار الهیاتی و فلسفی برجای گذاشته که بسیاری از آن‌ها به بررسی نقش دین در دنیای مدرن و الهیات ناواقع‌گرا می‌پردازند. برخی از مهم‌ترین کتاب‌ها و آثار او عبارتند از:

Sea of Faith (دریای ایمان) – ۱۹۸۴
The Meaning of the West (معنای غرب)
After God: The Future of Religion (پس از خدا: آینده دین)
Taking Leave of God (وداع با خدا)
The New Great Story (یک داستان جدید بزرگ)
Radicals and the Future of the Church (رادیکال‌ها و آینده کلیسا)

Theology's Strange Return (بازگشت عجیب الهیات)
Creative Faith: Religion as a Way of Worldmaking (ایمان خلاق: دین به‌مثابه راهی برای ساختن جهان)
Ethics in the Last Days of Humanity (اخلاق در آخرین روزهای انسانیت)

«Is God Real? (آیا خدا واقعی است؟)» کتاب «Is God Real?» در واقع به ویراستاری جوزف رونزو منتشر شده و مجموعه‌ای از مقالات مختلف، شامل دیدگاه‌های منتقدان و مدافعان الهیات ناواقع‌گرا است. دان کیوپیت در این کتاب یک مقاله با عنوان «Anti-Realist Faith» ارائه کرده که بخشی از ایده‌های او درباره ایمان ناواقع‌گرا را در بر دارد.

کتاب «دریای ایمان» که در سال ۱۹۸۴ منتشر شد، یکی از معروف‌ترین آثار اوست که محور اندیشه‌هایش را تشکیل می‌دهد



و به دلیل محتوای بحث‌برانگیز، الهام‌بخش یک جنبش فکری و مجموعه تلویزیونی با همین نام شد. کیوپیت در بیش از ۳۰ اثر خود، دین را به‌عنوان یک محصول کاملاً انسانی تعریف کرد و تلاش کرد آن را با زندگی مدرن تطبیق دهد. او در طول زندگی حرفه‌ای خود بر این باور بود که ایمان دینی باید از وابستگی به مفاهیم ماورایی جدا شده و بر معنویت انسانی متمرکز شود.

اندیشه‌های دانکیوپیت

دانکیوپیت دین را محصول ذهن انسان می‌داند و معتقد است که مفاهیمی نظیر خدا و آخرت ساخته‌های ذهنی برای معنا بخشیدن به زندگی هستند. او با نفی واقع‌گرایی در سه سطح هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و معناشناختی، این ادعا را مطرح می‌کند که گزاره‌های دینی حقیقتی بیرونی ندارند و تنها بر اساس تأثیری که بر زندگی افراد می‌گذارند، قابل ارزیابی هستند.

در دیدگاه کیوپیت، ایمان دیگر به معنای باور به موجودی فراطبیعی نیست، بلکه به‌عنوان رویکردی انسانی و معنوی برای مواجهه با زندگی در نظر گرفته می‌شود. او بحث درباره «متعلق ایمان» (مانند وجود خدا یا زندگی پس از مرگ) را انحراف از مسیر اصلی دین می‌داند. کیوپیت پیشنهاد می‌کند که دین باید به‌عنوان ابزاری برای ایجاد معنویت فردی و اجتماعی بازتعریف شود و خود را از ساختارهای متافیزیکی رها کند. این دیدگاه او، گرچه توانسته در جوامع مدرن الهام‌بخش باشد، اما به دلیل فاصله گرفتن از اصول اساسی بسیاری از ادیان سنتی، انتقادات گسترده‌ای را نیز برانگیخته است.

نقد و بررسی

ایمان‌گرایی ناواقع‌گرای دانکیوپیت در بخش‌های مختلف اندیشه او قابل نقد و بررسی است:

بررسی ادعای ناواقع‌گرایی در سطوح مختلف

سطح هستی‌شناختی:

دانکیوپیت وجود مستقل واقعیت‌های متافیزیکی نظیر خدا و آخرت را انکار می‌کند. او دین را کاملاً بر ساخته انسان می‌داند. این نگرش، اما، با چالش‌های منطقی روبروست. از یک سو، نفی کامل واقعیت خارجی در سطح هستی‌شناختی، خود بر اساس پیش‌فرض‌هایی است که ناواقع‌گرایی نمی‌تواند آن‌ها را به‌طور موجه اثبات کند. از سوی دیگر، تجربه‌های مذهبی و شواهد تاریخی مربوط به ظهور ادیان، همچنان به نفع وجود یک منبع ماورایی باقی می‌مانند.

سطح معرفت‌شناختی:

نظریه دانکیوپیت که بر عقل‌گرایی انتقادی و پوزیتیویسم مبتنی است، گرفتار مشکل خودشناسی است. معیار پوزیتیویستی او، که تنها تجربه‌پذیری حسی را معتبر می‌داند، خود از این معیار پیروی نمی‌کند. به‌علاوه، انکای صرف به شک‌گرایی معرفت‌شناختی، ثبات نظریه او را زیر سؤال می‌برد و آن را به نسبی‌گرایی مفرط سوق می‌دهد. این امر در عمل، مانع از ارائه یک بنیان محکم برای هر گونه ادعای دینی یا اخلاقی می‌شود.

سطح معناشناختی:

در نگاه دانکیوپیت، زبان دینی نه توصیف‌گر واقعیت، بلکه ابزاری برای معنا بخشی به زندگی است. با این حال، این نگرش نیز قادر به تبیین پایداری و تأثیر عمیق زبان دینی در جوامع مختلف نیست. اگر زبان دینی تنها یک ابزار ذهنی است، چرا در فرهنگ‌ها و تاریخ به شکل‌های پیچیده و گسترده‌ای وجود داشته و عملکردهای خاصی را در حوزه‌های اجتماعی و معنوی ایفا کرده است؟

تحلیل کارکرد دین در نگاه دانکیوپیت

دانکیوپیت تلاش می‌کند دین را به یک سیستم معنوی و اخلاقی

تبدیل کند که در دنیای مدرن کاربرد داشته باشد. با این حال، چند نقد جدی بر این رویکرد وارد است:

رنج خودفریبی:

حذف «متعلق ایمان» از دین، آن را به چیزی نزدیک به خیالات خوش‌بینانه تبدیل می‌کند. این خطر وجود دارد که پیروان چنین نظریه‌ای در مواجهه با سختی‌های واقعی زندگی، به نوعی خودفریبی گرفتار شوند که در بلندمدت آنان را با بحران هویت روبرو کند.

تحویل دین به معنویت:

دانکیوپیت دین را به معنویت و اخلاق محدود می‌کند و آن را از سایر ابعادش نظیر قوانین اجتماعی و سیاسی تهی می‌سازد. این دیدگاه، به‌ویژه در ادیانی مثل اسلام که جامع‌نگری دارند، کارکردهای دینی را به شدت کاهش می‌دهد.

ناتوانی در ایجاد شور دینی:

دانکیوپیت مدعی است که رویکرد او می‌تواند دین را در دنیای مدرن احیا کند. اما با حذف عناصری نظیر خدا و آخرت، شور و انگیزه‌ی معنوی برای ایمان‌ورزی نیز از بین می‌رود.

مبانی معرفت‌شناختی و فلسفی نظریه

پوزیتیویسم و چالش خودشناسی:

یکی از مبانی معرفت‌شناختی دانکیوپیت، پوزیتیویسم منطقی است که تنها گزاره‌های تجربی را معتبر می‌داند. این رویکرد، خود دچار تناقض است، زیرا اصل پوزیتیویسم به لحاظ تجربی قابل اثبات نیست.

نسبی‌گرایی مطلق:

پذیرش نسبی‌گرایی مطلق در نظریه دانکیوپیت، بنیاد نظریه او را متزلزل می‌کند. اگر همه چیز نسبی باشد، حتی ادعای ناواقع‌گرایی او نیز نمی‌تواند معتبر تلقی شود.

عدم توجیه علمی انکار متافیزیک:

دانکیوپیت ابزارهای غیرحسی شناخت مانند عقل و وحی را انکار می‌کند. با این حال، خود قوه حس نیز نمی‌تواند چنین انکاری را به اثبات برساند. این ضعف، نشان‌دهنده ناکارآمدی پشتوانه معرفتی نظریه است.

کارکرد اجتماعی و فرهنگی نظریه

عدم تناسب با جوامع سنتی:

نظریه دانکیوپیت، که بیشتر برای جوامع مدرن غربی طراحی شده، در جوامع سنتی که دین نقش‌های گسترده‌تری ایفا می‌کند، کاربرد چندانی ندارد.

ناتوانی در ایجاد تسالم دینی:

دانکیوپیت ادعا می‌کند که نظریه او می‌تواند پلورالیسم دینی و تسالم میان ادیان را تقویت کند. اما این نظریه به دلیل نفی واقعیت‌های مشترک میان ادیان، عملاً از پذیرش گسترده در جوامع دینی بازمی‌ماند.

ایمان‌گرایی ناواقع‌گرای دانکیوپیت، تلاش دارد میان دین و مدرنیته پیوند برقرار کند و دینی متناسب با نیازهای انسان مدرن ارائه دهد. اما این نظریه با چالش‌های اساسی در مبانی معرفتی، فلسفی و اجتماعی روبروست. نفی واقعیت متافیزیکی و تحویل دین به یک طرح اخلاقی و معنوی، نه تنها از توان دین در پاسخ به پرسش‌های بنیادین زندگی می‌کاهد، بلکه می‌تواند بحران‌های معنوی جدیدی ایجاد کند. این نظریه، به‌جای احیای دین، به نوعی بی‌تفاوتی دینی و سکولاریسم معنوی منجر می‌شود.

* در فصلنامه قیسات شماره ۱۰۳ مقاله‌ای در نقد و بررسی دیدگاه دانکیوپیت با عنوان (نقد و بررسی «ایمان‌گرایی ناواقع‌گرا») با قرائت «دان کیوپیت» به زور چاپ آراسته شده است که مطالعه آن خالی از لطف نیست.



رشد علوم انسانی اسلامی نشانه‌پویایی انقلاب

محمدرضایبایی‌نژاد

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا یبایی‌نژاد، رئیس پژوهشکده زن و خانواده، در نشست «رشد و شکوفایی زنان پس از انقلاب اسلامی و آینده پیش‌رو» مطرح کرد؛ ما ملت متدینی بوده‌ایم و ۱۴۰۰ سال است که متدین هستیم و ذیل عقلائیست توحیدی قرار گرفتیم. اما اتفاقی که امام خمینی (ره) رقم زد و انقلاب اسلامی بر اساس آن شکل گرفت این بود که عقلائیست توحیدی را یک سطح ارتقا داد؛ یعنی از سطح فردی به سطح اجتماعی آورد.

در دهه ۶۰ اگر در حوزه علمیه قم کسی از علوم انسانی شرقی و غربی و تولید علم بومی سختی به زبان می‌راند منزوی می‌شد و عرصه بر او تنگ می‌شد؛ اما در دهه ۸۰ این مساله تبدیل به یک مُد شده و برخی از علوم انسانی اسلامی سخن گفتند و امروزه این مساله جا افتاده که نشان می‌دهد انقلاب اسلامی دارد آن جریان پویای خود را طی می‌کند و ما داریم پوست می‌اندازیم.

کاری که امام خمینی (ره) کردند این بود که دین را از انزوا در آوردند و اجتماعی کردند و آن را در عرصه درگیری اجتماعی در مقیاس کلان قرار دادند و در مقیاس سیاسی و حکمرانی درگیری ایجاد کردند؛ امروز همین که ما بیش از چهل سال است که هستیم خود گواهی بر موفقیت ماست.

«دل‌بستگی کتابی» منتشر شد

کتاب زندگی‌نگاره «دل‌بستگی کتابی» نوشته احمد اخوت منتشر شد.

این کتاب شش فصل اصلی دارد. فصل نخست با عنوان «سخن اول کتاب» مقدماتی را درباره عشق و دل‌بستگی به کتاب دربردارد. دل‌بستگی یک معنایش تعلق خاطر است. نویسنده با شخصیت‌هایش انس پیدا می‌کند و نمی‌تواند از شان جدا شود، مگر نه اینکه بعضی از ما نصفه‌ش‌ها بیچار می‌شویم و به بچه‌هایمان که خوابند سرکشی می‌کنیم؟ کتاب‌ها نیز همین‌طورند، بعضی از آنها خودشان را در دلمان جا می‌کنند، دیگر سخت می‌شود از آنها دل بکنیم.

فصل دوم با نام «معانی و بیان کتابی» شامل عناوین تقویم‌نامه‌های کتابی، روح زمان دوره‌ای، کتاب‌های بالینی، چاق و لاغر کتاب، شهرهای کتاب‌بنیاد، درباره جمع‌آوری کتاب و تناقض مخاطره‌آمیز احتکارگری، کتاب هرگز نخواهد مرد، سفر همراه با کتاب‌ها، روان‌سنجی کتاب‌ها، جینت وینترسون دارنده فرهنگ آکسفورد و مجموعه‌دار است.

فصل سوم «متفرقه‌های کتابی» نام دارد و شامل دفتر متفرقه‌ها، سخنرانی باز یافته بورخس درباره دن کیشوت، عشق استاندل، ساعت‌های خانم دالووی، ماری ماری محکم‌بگیر و سلینجرمن است؛ فصل چهارم نیز با عنوان «دل‌بستگی به خواندن» به بیان توضیحاتی درباره لذت‌های خواندن، گفت‌وگو با آلبرت مانگوتل درباره دل‌بستگی به خواندن، دل‌بستگی شعری، بلندخوانی و خواننده اول اختصاص یافته و نویسنده در فصل پنجم به «دل‌بستگی کتابخانه‌ای» با زیرفصل‌های کتابخانه هرکس، کتابخانه ذهن و کتابخانه نویسنده پرداخته است.

فصل نهمی کتاب نیز با نام «سویه تاریک دل‌بستگی کتابی» شامل «خواست‌ها»، «از دنیا که بروی چه بر سر کتابخانه‌ات می‌آید»، «دشواری خلاصی از کتاب‌ها»، «چگونه از بعضی کتاب‌هاهم رهایی یابیم» و «دنیایی از آن خود» است.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «هرگز از یاد نمی‌برم اوایل دهه پنجاه خورشیدی را که مجبور شدم کتاب‌های عزیزم را تنها بگذارم و بروم. موقع خداحافظی وقت سختی بود. جدا شدن از کتاب‌های محبوبم، آثار فاکنر و همینگوی و دیگران (یا به‌قول مارک تواین «کتاب‌های سایر آقایان»). این دل‌تنگی همه از «گرامات» دل‌بستگی‌های کتابی است. داری می‌روی و معلوم نیست دیگر برمی‌گردد یا نه اما به فکر کتاب‌هایی هستی که پشت سر می‌گذاری. این بار برخلاف روال همیشگی، عزیزها و سوغلی‌ها می‌مانند و «ضروری‌ها» کتاب‌های درسی و فرهنگ‌های لغت دوزبانه و فامیل‌های وابسته) جلو می‌افتند و راهی سفر می‌شوند و مهاجرت می‌کنند. باقی می‌ماند کوچه و خانه‌ای که برایت بسیار عزیز بود. همین‌طور کتابخانه کوچکت»



این کارشناس حوزه و دانشگاه اذعان داشت: اگر اکثریت جامعه به سمت خوبی‌ها گرایش پیدا کنند امام‌زمان (عج) که نماد و مظهر تمام خوبی‌ها و زیبایی‌ها اعم از حق و حقیقت و عدالت است را خواهند پذیرفت.

وی ادامه داد: در یک جامعه جهانی که اکثریت انسان‌ها خواستار انسانیت باشند زمینه برای ظهور حجت خدا فراهم خواهد شد.

آثار جنگ نرم غول‌های رسانه‌ای و مافیای سیاسی و اقتصادی در فیلم‌ها و سریال‌ها مشهود است

بخشش

این کارشناس حوزه و دانشگاه تأکید کرد: هنرمندان دغدغه‌مند باید به چالش‌ها توجه داشته باشند و در عرصه هنری قدم بگذارند که علیه فرهنگ کشور نباشد.

زمینه‌سازی برای ظهور امام‌زمان (عج)

وی در بیان تکلیف شیعیان در زمینه‌سازی ظهور بیان داشت: باتوجه‌به اینکه تحقق همه‌جانبه دین در عرصه‌های فردی، سیاسی و اجتماعی را دوره ظهور امام‌زمان می‌دانیم؛ لذا باید ظرفیت و زمینه‌ای پیدا شود تا مردم دنیا پذیرای وجود مبارک ولی‌امر (عج) و حجت خدا روی زمین باشند.

بخشی تصریح کرد: تا زمانی که ظرفیت پذیرش امام‌زمان (عج) بین شیعیان، مسلمانان و مردم دنیا فراهم نشود ظهور اتفاق نمی‌افتد.

وی گفت: منتظران ظهور بر اساس آیات و روایات وظیفه دارند بر اساس معیارهای دینی و اخلاقی و رفتاری خودسازی کنند و سیاست جامعه و اقتصاد جامعه نیز درست شود و کمک به گسترش خوبی و امر به‌معروف و نهی‌ازمنکر انجام گیرد.

حجت‌الاسلام دکتر بخشی، کارشناس حوزه و دانشگاه با حضور در برنامه «گفتگوی فرهنگی» با موضوع هنر، رسانه و زمینه‌سازی ظهور بیان داشت: قدرت‌های اقتصادی و غول‌های رسانه‌ای و مافیای سیاسی و اقتصادی حاکم بر دنیا که دنبال حاکم کردن منطق خود در دنیا هستند در جنگ نرم علیه جوانان کشور ما، منطق خود را در این فیلم‌ها به شکل نرم فرهنگ‌سازی می‌کنند وی افزود: در حال حاضر در فیلم‌های سینمایی، سریال‌ها و فضای مجازی نسبت به ارزش‌های انسانی، اخلاقی و ارزش‌های دینی، اسلامی و مذهبی واکنش‌ها نشان داده می‌شود و یک رویکرد تقلبی در آن‌ها وجود دارد و تفکر انسان‌محوری و تفکر لذت‌گیری و لذت‌محوری موج می‌زند و متأسفانه در جنگ نرم دشمن، فرهنگ‌سازی این تفکرات در رسانه‌ها شکل می‌گیرد.

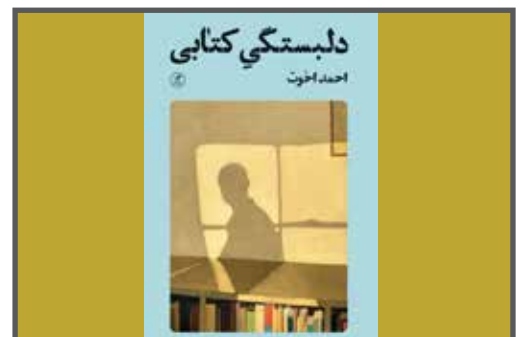
حجت‌الاسلام بخشی تصریح کرد: عرصه‌ای که امروزه با آن مواجهیم جنگ تمدن‌ها است و با یک جنگ نرم و شناختی دشمن رقیب خود را می‌خواهد به زمین برزند.

وی با تأکید بر ضرورت حفظ کردن فرزندان و محیط از آفت رسانه‌ها اظهار داشت: بایستی هنرمندان در تولید آثار هنری خود متوجه باشند که در چه فضایی قرار گرفته‌اند و باید کاری کند که نسل ما مردم و جامعه از این تهاجم‌ها ایمن و مصون باشند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه آهووی | گرافیست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



«دل‌بستگی کتابی» منتشر شد

هرگز از یاد نمی‌برم اوایل دهه پنجاه خورشیدی را که مجبور شدم کتاب‌های عزیزم را تنها بگذارم و بروم. موقع خداحافظی وقت سختی بود. جدا شدن از کتاب‌های محبوبم، آثار فاکندر و همینگوی و دیگران (یا به‌قول مارک تواین «کتاب‌های سایر آقایان»). این دل‌بستگی همه از «کرامات» دل‌بستگی‌های کتابی است.

فیلم یک اتفاق روی نداده را روایت می‌کند

در سینمای ما یک سلیقه مستند و سلیقه رئالیستی وجود دارد و در این شکل همه اصرار دارند چقدر از کار واقعی و چقدر مستند است که من این را دوست ندارم و احساس می‌کنم که سینما جای تخیل و رویاپردازی و قصه گفتن است.

1

7

دست‌مان برای انجام بازی تدارکاتی بسته است

اشرف رامین



تیم ملی بسکتبال ایران برای موفقیت در پنجره سوم انتخابی کاپ آسیا شرایط سختی پیش‌رو دارد. تمرینات این تیم با دعوت از ۱۹ بازیکن در جریان است و شاگردان سوتیریس مانولوپولوس خود را برای دو بازی آتی آماده می‌کنند. دیدار ایران و هند روز جمعه سوم اسفندماه در تهران برگزار می‌شود و تیم کشورمان برای رویارویی با قزاقستان (ششم اسفند) باید به آستانه سفر کند. در جدول گروه E ایران با هفت امتیاز صدرنشین است و قطر با هفت امتیاز رده دوم را در اختیار دارد. با آمدن سرمربی یونانی انتظارات از تیم ملی بالا رفته است.

مانولوپولوس تغییر فلسفه بسکتبال ایران را یکی از اهداف بزرگ خود عنوان کرده و حالا همه منتظرند تا این تغییرات در بازی بسکتبالیست‌های ملی پوش به چشم آید. کاپیتان تیم ملی نداشتن بازی تدارکاتی را یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ایران می‌داند. ارسلان کاظمی در گفت‌وگو با ایسنا به شناخت خوب سرمربی از تیم اشاره کرد: «فکر می‌کنم شناخت مانولوپولوس از تیم و بازیکنان خیلی بیشتر از قبل شده، اما مورد مهم نداشتن بازی تدارکاتی است که البته خود فدراسیون هم این موضوع مهم را می‌داند. به هر حال دست ما و فدراسیون بسته است و امیدوارم با وجود این شرایط به موفقیت برسیم. اکثر تیم‌هایی که در اطراف ما هستند قبل از پنجره‌ها مثل ما اردوهای بلندمدت و سه، چهار هفته‌ای ندارند. تیم‌های اروپایی نهایتاً یک هفته تیم ملی را تشکیل می‌دهند و در بازی‌های تدارکاتی شرکت می‌کنند. در حوزه خلیج فارس، اما جا افتاده که لیگ را تعطیل کنند. البته نکته مثبت تیم‌های عربی این است که بازی‌های تدارکاتی برگزار می‌کنند، اما متأسفانه شرایط تیم ملی ایران

کمی متفاوت است. به عنوان مثال الان تیم‌های فیلیپین، قطر، لبنان و مصر با هم بازی تدارکاتی چهارجانبه دارند و در پنجره قبل هم تیم‌های عربی، مسابقات تدارکاتی عرب‌کاپ را داشتند. بازی‌های تدارکاتی می‌توانست کمک زیادی به تیم ملی و شناخت بیشتر سرمربی از بازیکنان کند، اما متأسفانه این شرایط فراهم نشد و باید با این وضعیت بهترین عملکرد را داشته باشیم.» کاظمی در خصوص رویارویی با هند و قزاقستان گفت: «وضعیت خوبی داریم. امیدواریم بازی با هند را پر قدرت پشت سر بگذاریم و بهنام یخچالی هم به تیم اضافه می‌شود که اتفاقی خوبی است. نبودش در پنجره قبل به تیم ضربه زد و قطعاً حضور او در این بازی‌ها کمک‌کننده خواهد بود. به نظرم بازی سختی با قزاقستان خواهیم داشت و فکر می‌کنم، چون این تیم در پنجره قبل به ایران نیامد، به دنبال آن هستند تا در خانه خود به پیروزی برسند. بازی سختی خواهد بود و امیدوارم برخلاف دو، سه بازی قبل، این بار مقابل قزاق‌ها که تیم خوبی دارند بهتر باشیم و برنده شویم.»

مسابقات قهرمانی جهان؛ اسکی‌باز بانوی ایران تاریخ‌ساز شد

مسابقات مارپیچ کوچک بانوان قهرمانی جهان دیروز با حضور ۱۱۶ اسکی‌باز برتر جهان در پیست اسکی سالیباخ (زالباخ) آغاز شد. در پایان مانش نخست این رقابت‌ها و در مسیر بسیار دشوار و یخی مسابقات، صدف ساهوشمشکی موفق شد مسابقه را به پایان برساند و در رده ۴۴ قرار گرفته و به دور فینال و نهایی مسابقات راه پیدا کند. این نتیجه در دور اول تاکنون بهترین رنک تاریخ اسکی ایران در بخش بانوان در مسابقات قهرمانی جهان است.

صدف ساهوشمشکی در فینال که با حضور ۱۱۶ اسکی‌باز برگزار شد، در پایان ۲ مانش (مرحله) در رده سی‌وهفتم به کار خود پایان داد. این بهترین جایگاه تاریخ ایران در بخش بانوان در مسابقات قهرمانی جهان است. با برگزاری رقابت‌های دیروز، پرونده حضور بانوان کشورمان در مسابقات اسکی آلپاین قهرمانی جهان بسته شد.

همچنین دیروز بخش مارپیچ کوچک برای مردان با حضور چهار نماینده کشورمان پیگیری شد و در پایان مانش (مرحله) دوم محمد ساهوشمشکی موفق شد در رتبه ۴۷ و پوریا ساهوشمشکی در رتبه ۵۰ قرار گرفت.

سید مرتضی جعفری دیگر نماینده کشورمان در این پیست دشوار و یخی به علت خطا حذف شد و بهنام کباشمشکی نیز در مانش دوم این رقابت‌ها به خط پایان نرسید. امروز و در بخش فینال مارپیچ کوچک مردان یک نماینده از کشورمان رقابت خواهد کرد.

مقابل استقلال فقط به برد فکر می‌کنیم



آرتور ژرژ، سرمربی الریان: مسابقه با استقلال برای ما بسیار مهم است و آمادگی خوبی در این مدت کسب کردیم. به توانایی بازیکنانم برای ارائه بهترین عملکرد ایمان دارم و آنها باید حداکثر تمرکز خود را نشان دهند.

می‌خواهیم به بهترین شرایط در زمین حاضر شویم و به برتری برسیم تا صعود خودمان به مرحله بعدی را قطعی کنیم. فقط به کسب سه امتیاز فکر می‌کنیم و این چیزی است که همیشه در مدت حضور در الریان روی آن کار می‌کنیم.

آقای تاج! این حرف‌ها را به خودت بگو!

فریدون حسن



می‌کنند، حالا می‌خواهد اسکوپچیک باشد یا امیر قلعه‌نویی، تفاوتی در اصل ماجرا نمی‌کند. پس فعلاً نگران نیمکت تیم ملی می‌مانیم.

قرار باشد از ۱۲ امتیاز ممکن همه را کسب کنی، حتی قدرتمندترین تیم‌های جهان هم با چالش روبه‌رو می‌شوند، ولی اسکوپچیک این کار را کرد تا ایران سربلند شود. تاج امروز از او تشکر می‌کنند، اما درحالی‌که سرمربی موفق تیم ملی مثل این روزهای امیر قلعه‌نویی مشغول برنامه‌ریزی برای بازی با انگلستان، ولز و امریکا بود برکه اخراجش را دستش داد تا همه چیز برای ایران روحیه گرفته و آماده نبرد با سه حریف مشخص شده، عوض شود.

با وجود این جناب تاج حتماً به ما و رسانه‌های دیگر حق می‌دهند که نگران سرنوشت نیمکت تیم ملی باشیم. به هر حال این روزها دلالت‌ها بیشتر از همیشه فعال هستند و حتماً گزیننده‌های خارجی پرمطراقی را هم پیشنهاد می‌دهند.

سابقه هم که کاملاً مشخص است. بله، هیچ کجای دنیا آدم موفق را تغییر نمی‌دهند، اما اینجا با همه جای دنیا فرق می‌کند. اینجا آدم‌های موفق را خیلی راحت عوض

چرا می‌اش هم به کسی مربوط نیست. مثلاً امکان دارد رئیس فدراسیون از تیپ یک سرمربی خوشش نیاید، بنابراین می‌تواند او را عوض کند؛ هیچ ربطی هم به نتایج کسب شده ندارد، هیچ ربطی به بازیکنان و دیگر عوامل تیم هم ندارد، فدراسیون در این خصوص تصمیم‌گیرنده اول و آخر است. خب کاملاً درست اگر غیر از این هم باشد سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، اما ...

اما سؤال اینجاست که چرا اسکوپچیک برکنار شد؟ آن زمان هم به‌طور قطع هیچ کجای دنیا آدم موفق را تغییر نمی‌دادند، آن هم مربی موفق که بعد از گندکاری فدراسیون فوتبال با ریاست مهدی تاج در «ولیموتس گیت» و در شرایطی که تیم ملی در آستانه حذف از رقابت‌های مقدماتی جام جهانی بود، آمد و ایران را مقتدرانه راهی قطر ۲۰۲۲ کرد، ولی همین جناب تاج که امروز از عدم تغییر سرمربی موفق تیم ملی حرف می‌زند، اسکوپچیک را برکنار کرد و کی‌روش را آورد و شد آنچه که همه دیدیم.

لازم به توضیح مهدی تاج نیست، همه ما خوب می‌دانیم که اسکوپچیک کار بزرگی را رقم زد. شاید جناب تاج ندانند، اما آنها که فقط یک‌بار فوتبال بازی کرده باشند خوب می‌دانند که وقتی

روز شنبه امیر قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی از برنامه‌های پیش‌رو برای دو بازی آینده و صعود به جام جهانی حرف زد. او با تیم ملی موفق بوده، اینقدر که می‌تواند یکی از سریع‌ترین صعودهای ایران به جام جهانی را رقم بزند، ولی خب این روزها عجیب خبر می‌رسد که قرار است تغییراتی صورت گیرد. مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال، اما می‌گوید این گمانه‌زنی رسانه‌هاست. می‌گوید رسانه‌ها برای خودشان می‌برند و می‌دوزند، هیچ کجای دنیا آدم موفق را عوض نمی‌کنند. تاج حرف‌های دیگری هم زد از جمله اینکه قلعه‌نویی طرح و برنامه دارد برای مسابقات و اینکه ما با و در حال برنامه‌ریزی برای جام جهانی هستیم. این را هم گفت که قلعه‌نویی قابل اعتماد است و حمایت می‌شود، اما ما با این حرف‌ها کاری نداریم. به هر حال تا دلالت نخواهد از این حرف‌ها شنیده‌ایم و گوشمان پر است. ما فقط با این جمله جناب رئیس کار داریم که «هیچ کجای دنیا آدم موفق را عوض نمی‌کنند»

چهار سال قبل بود که مهدی تاج یکی از موفق‌ترین سرمربیان تیم ملی را برکنار کرد، چون به قول خودش این وظیفه فدراسیون و مسئولان است که سرمربی تیم ملی را تغییر دهند،